

☆ برقراری آتش بس و شکست نقشه های مداخله جویانه و جنگ افروزان رژیم ارتجاعی خمینی و رژیم جنایتکار صدام را به همه مردم ایران شادباش می گوئیم

☆ روز آتش بس را جشن می گیریم ، پیکار در راه صلح پایدار را ادامه می دهیم

شدن این گام بزرگ در راه صلح ، عمیقاً خود را سپاسم و شریک می دانند . جنگ توسط صدام به کشور ما تحمیل شد و خمینی آن را ادامه داد . مسئولان آدامه جنگ و فاجعه ناشی از آن ، سران رژیم و بویژه شخص خمینی است . اکنون شبح شوم جنگ از آسمان غمناک کشور ایران و عراق دور می شود اما تا رسیدن به صلح پایدار راه درازی در پیش است . راهی که هموار نیست و بسا دشواری ها روبروست . اکنون که آتش بس برقرار شده است ، همه ما باید به مبارزه پیگیر در راه با زکشتنا پذیر کردن آتش بس و تامین و تضمین صلح پایدار بین دو کشور فداانگه ادامه دهیم . نباید اجازه داد که صدام و خمینی در راه اجرای نام و تمام قطعات ۵۹۸ ما متعثر می کنند ، اجرای بی خدشه قطعات ۵۹۸ ما خواست مردم ایرانی و عراق و همه محافل صلح دوست جهان است . برای تحقق این هدف

هم میهنان ! سرانجام در نخستین ساعات با مداخله امروز ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ آتش جنگ خانما شوز هشت ساله خاموش شد . آتش بس در جبهه ها رسماً برقرار گردید . برقراری آتش بس بر شما مبارک باد ! این پیروزی بزرگی برای مردم دو کشور ایران و عراق و همه بشریت صلح دوست است که عزم و رزم صلح جویانه خود را پشتوانه تلاش های مسئولان دبیرکل سازمان ملل متحد قرار دادند و طبیعتاً صلح را علیرغم نیت جنایتکارانه خمینی و صدام در افق دو کشور ایران و عراق بدیدار ساختند . کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ، بر شورتترین احساسات خود را به مناسبت این رویداد دخیستد با ارضی دارد . فداانگهان در این سرور بزرگ که در پی هشت سال رنج و درد دیده شده است ، در این خوشحالی خلق به خاطر برداشته

آتش بس پس از ۸ سال جنگ تبهارانه

پس از ۹۵ ماه کشتار و ویرانی بیامان و پس از شکست مطلق نقشه های توسعه طلبانه و تجاوزکارانه رژیم ارتجاعی ایران و عراق ، سرانجام صلح میانگیری و نظارت سازمان ملل متحد ، از روز ۲۹ مرداد ماه ۶۷ آتش بس رسمی در جبهه ها برقرار شد . از این تاریخ واحدهای نظامی اعزامی از سوی سازمان ملل متحد در مرزهای دو کشور ، نظارت بر اجرای آتش بس را بر عهده گرفته اند و متعاقباً آن می بایست مذاکرات دور زیم تبهارا متخامم برای انعقاد بیعنامه صلح زیر نظر سازمان ملل متحد جریان یابد . این احتمال قوی است که خونخواهران حاکم بر دو کشور اکنون پشت میز مذاکره تلاش کنند تا از زیر بار رحل عادلانه مسایل مطروحه سر باز زنند و زمینه های شنج و خون ریزی را برای سال ها و نسلهای آتی به ارث بگذارند . همه احزاب مترقی و مردم شریف دو کشور ایران و عراق مسئولیت تاریخی دارند تا با هوشیاری تمام دور زیم ارتجاعی را برای انعقاد بیعنامه عادلانه ای که صلح پایدار میان دو کشور را تامین کند ، زیر فشار بگذارند . مردم کشور ما در این شرایط خاص با یادگیری به عدل شروع و تداوم جنگ و تنگیز دور زیم خمینی در پذیرش آتش بس و رادرنظر آوردن و بیک آن فرصت ندهند که ارتجاع آخوندی این بار با واسطه آتش بس آنها را فریب دهد و نتایج برجهره اهریمنی را بدو بکشد .

رژیم خمینی مسئول اصلی ادامہ جنگ

جنگ خونخوا را نه هشت ساله ، هما نگونه که ما با رها گفتمه ایم قبل از همه به دلیل توسعه طلبی ها و ما جرا جوی های رژیم عراق و جبا حمله ای رژیم به درون خاک ایران آغاز شد ، جنبه اقدامی از سوی رژیم عراق بدون اطمینان از حمایت امپریالیسم آمریکا دشوار بود . نقشه امپریالیسم آمریکا برای احیاء مواج قبلی خود در منطقه و تلاش های آن برای نابود کردن دستا وردهای مردمی انقلاب بهمین با نقشه های رژیم عراق همخوانی داشت . از این رو برای امپریالیست های آمریکا راهی مناسب تر از آن متصور نبود که از ما جرا جوی نظامی رژیم صدام و آغاز جنگ حمایت کنند و وابستگان ارتجاعی خود در منطقه را نیز به حمایت از این نقشه دعوت نمایند . ما همه این نقشه ها را با رها رها افشای کردیم و چه قبل از جنگ و چه پس از شروع جنگ ، نسبت به فاجعه ای که مردم کشور ما را تهدید می کند هشدار داده ایم ، اما شنیدن هشدار های ما و تلاش برای خنثی کردن نقشه های ارتجاع عراق و امپریالیسم آمریکا از عهده رژیم ارتجاعی خمینی که خود نقشه های آشکار توسعه طلبانه و تجاوزکارانه داشت ، ناممکن بود ، خمینی رسماً و علناً زیر علم "صورتا انقلاب" قصد خود را برای بسط رژیم ارتجاعی بقیه در صفحه ۲

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

- * هرگونه تعقیب و پیگرد مداخلان و تحریم کنندگان جنگ ، مشمولین فراری ، درجه داران ، سربازان و سپاهیان تحت پیگرد باید فوراً متوقف گردد .
- * علیه اعدا م های جنایتکارانه و گروهی زندانیان سیاسی به پا خیزیم .
- * انتقام جوئی از مجاهدین خلق ایران را با خشم و نفرت محکوم می کنیم .

جمهوری اسلامی که می توانند منبع خطر باشند ، لازم خواهد بود .

دولت ریگان هر چند خود را مدافع قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ و رفع تشنج در خلیج فارس نشان می دهد ، اما عملاً ده قطعنامه ۵۹۸ - مبنی بر سر خودداری کشورهای دیگر از توسل به اقدامات شنج زادر منطقه - را نقض می کند و یکی از عوامل مهم تشنج در منطقه ، یعنی استقرار ناوگان دریایی خود در خلیج فارس را توجیه می کند . سیاست تها و زکارانه آمریکا نشان می دهد که از ابتدا نیز "تا مین امنیت کشتیرانی" را با هدف گسترش حضور نظامی خود و آمریکا این لشکرکشی را با هدف گسترش حضور نظامی خود در خلیج انجام داده است . حضور این ناوگان نهادر خلیج فارس خطری دایمی علیه امنیت منطقه بوده و استقلال عمل کشور های ساحلی خلیج را نیز به شدت خدشه دار می کند ، لذا ناوگانهای آمریکا و متحدین نا تویبش با بهره زود تر خلیج فارس را تسکیر کنند .

ناوهای آمریکایی باید از خلیج فارس خارج شوند

بیش از دو هفته است که آتش جنگ خانما کشور ایران و عراق خاموش شده است . با شروع آتش بس ، جنگ نفت کشها و حمله به کشتی ها در خلیج فارس نیز پایان یافت و آزادی کشتیرانی بیبا لمللی در این آبراه معلول رسماً تا مین گردید . اکنون دیگر کوچکترین بهانه ای نیز برای حضور ناوگان های جنگی امپریالیسم آمریکا و متحدین نا تویبش آن در مرزهای جنوبی کشور ما وجود ندارد . این ناوهای سال گذشته و در اوج جنگ نفت کشها ، ظاهراً به دلیل تا مین امنیت کشتیرانی به خلیج فارس گسیل شدند . اعزام این ناوگان ها اعتراض مردم ایران و جهان را برانگیخت و مبارزه گسترده ای علیه و این اقدام تجاوزکارانه امپریالیستی به راه افتاد . امپریالیسم آمریکا به این اعترافات وقعی ننهاد و بر زمینها ادامه جنگ روز به روز بر حضور نظامی خود در خلیج فارس افزود . هما نگونه که پیش بینی می شد ، ناوگانهای آمریکا نه تنها نتوانستند امنیت کشتیرانی را تا مین کنند ، بلکه بروخامت و تشنج اوضاع افزودند و چندین بار خلیج فارس را تا آستانه جنگ تمام عیار پیش بردند . آخرین نمونه تشنج فزایشی و فاجعه آفرینی آنها ، سرنگون کسردن هواپیمای مسافربری ایران و قتل بیش از ۲۹۰ سرنشین بیگناه آن در خیر ماه سال جاری بود .

اما آن گونه که پیداست متجاوزین آمریکا طی علیرغم برقراری آتش بس خیال نداشتند و همای جنگی خود را از خلیج فارس بیرون ببرند . دوم مرداد ماه یعنی چند روز پس از اینکه جمهوری اسلامی قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت ، فرانک کارلویچ ، وزیر دفاع آمریکا اعلام داشت که ناوهای آمریکا یکی اکنون ۴۰ سال است در خلیج فارس حضور دارند و حتی در صورت قطع جنگ نیز این منطقه را تسکیر نخواهند کرد . وی افزود محبت فقط می تواند بر سر کاهش تعداد ناوها باشد . به دنبال او ریچارد مورفی ، معاون وزیر امور خارجه آمریکا نیز تاکید کرد که این کشور قصد ندارد سیاست خود در خلیج فارس را تغییر دهد و در صورت آتش بس نیز نظارت دقیق بر نیروهای

اعدام رفیق فرامرز صوفی

بدست دژ خیمان خمینی

سری دیگر از سرداران بردار شد و سرور سروستان میهن برخاک ... در پگاه اویسن ، واپسین شعله زلال چشمی پرفروغ به توطئه پیوست . نگاه خورشید در چشمه سا زمانند . شعله در شعله ، چشم در چشم . یگانگی در نور ... بی گلوله هم جاودانه بود پیوند شعله ها . و گلوله نه بر جان شیفته که بر تلافی نور نشست ، تا جاودانه ترکند پیوند خورشید و چشم را ، تا نفیرش نسیم را خبر کند که نسیم نوربا فتنه راه تار و پودش جان سوی "نست سرن و "با سمن" برسد . تا گلها مانند پدرا در جان کوچک و در دل آلود خویش جاودان سازند . نسیم اینگونه گرد و نور ، آنگاه که سوی خانه گلها بر می کشید ، راه بر جنوب شهرک کرد تا با کیش به ظلمت جماران نیا لایوهما نگونه زلال که از نگاه پدرا جو شیده بود ، بر دل پاک دختران نشیند .

رفیق فرامرز صوفی را به جرم "ته" گفتن تیرباران کردند . فرامرز جرمی نداشت ، حتی با بقیه در صفحه ۵

در این شماره

- ۱- " قضاوت " در خدمت جنایت ۵ ص
- ۲- جنبش مقاومت فلسطین : يك پیروزی دیگر ۷ ص
- ۳- صمد : فرزند فروتن مردم ۶ ص
- ۴- قانون کار اسلامی همچنان درین بست ۴ ص

زنده باد صلح ، زنده باد آزادی ، مرگ بر خمینی

آتش بس پس... بقیه از صفحه اول

ولایت فقیه به با برکوشورهای اسلامی، بخصوصا به کشورهای همجوار را اعلام کرده و بر آن امراراد است. خمینی پس از دستیابی به حکومت، مدارات خشن خود را در ایران بر علیه شورهای خاورمیانه و نوزدی یک شروع کرد و در این میان عراق و لبنان و افغانستان بیش از همه هدف توطئه های رژیم خمینی قرار گرفتند. رژیم خمینی در این کشورها به تحریک نیروهای و بنیادگرا و سرهم بندی دارودسته های حزب الهی مشغول شد و بخصوص به توطئه برای تضعیف نیروهای انقلابی و پیشرو در این کشورها پرداخت.

اقدامات رژیم به منظور "دور انقلاب" که به زبان آغا ز انقلاب بهمین جریان داشت، همواره آنها را برای لازم برای شعله ور کردن جنگ را در اختیار رژیم عراق گذاشته بود.

رژیم خمینی پس از شروع جنگ در موضع نفی هر گونه مذاکره و ادعا می کند که هر قیمت قرار گرفته رژیم خمینی مسئول اصلی اقدامات جنگ هشت ساله و مسئول اصلی این همه خونریزی و ویرانی است.

جنایت ارتجاع عراق در تحمیل جنگ

رژیم ارتجاعی عراق که در پی فرصتی بود تا قرارداد ۱۹۷۵ را از برپا بگذارد و برای بررسی مطمع می نوسه طلبانه خود اقدام کند، با پیوستن رژیم انقلاب بهمین بر رژیم شاه و گسترش وضعیت انقلابی در کشور شرایط را مناسب دید و پس از کسب اطمینان از حمایت دولت ریگان و برخی از مرتجعین منطقه، روز ۳۱ شهریور سال ۵۹ حمله نظامی به ایران را آغاز کرد. رژیم عراق با دادگاه براتر مقاومت مردم ایران برای درهم شکستن تجاوزناچار رسیده عقب نشینی شده بود، نه تنها حرفی از صلح نمی زد بلکه شکار قاصد خود را برای گسترش تجاوز به سرخرخوزستان و بخش بزرگی از کردستان را تسلیع می کرد. امروز نیز رژیم عراق تنها به دلیل شکست نقشه ها برای پذیرش آتش بس آماده شده است. این رژیم اگر آنگاه نمی نظای می داشت و حامیان نیز تا اقدامی کردند، کوچکترین تردیدی در دادگاه جنگ نمی کرد. بنا بر این عوام فریبی های رژیم عراق برای صلح طلب و نمود کردن خود نیز در عراق، بی پایه و منفردانه است. مسئولیت اصلی رژیم خمینی در دادگاه به هیچ وجه نمی تواند دستاویز رژیم عراق برای صلح طلب جلوه دادن خود نزد مردم عراق و جهان شود. همینگونه تلاش رژیم عراق برای پیروزشان دادن خود نیز مضحکه ای بیش نیست که تنها به توجیه هدف آن خام کردن مردم عراق و بسیج آنها و به حمایت از ارتجاع با حاکم علیه نیروهای انقلابی و مترقی آن کشور است. رژیم عراق نیز همچون رژیم خمینی بلافاصله ز آتش بس سررای گسترش جنگ علیه نیروهای مترقی عراق به بهره گرفته است. هم اکنون رژیم عراق با همه کشورها حتی با نوسل به سلاح شیمیایی، مردم شریف و قهرمانی را که در اهداف قرار داده هزاران نفر را کشته و آوار کرده است. واقعیت چیست؟ واقعیت این است که ارتجاع عراق و ایران هم دیروز و کسه در جنگ بودند و هم امروز که می روند پیش میز مذاکره بنشینند، یک هدف مشترک دارند که هدف اصلی در همه تلاش های آنان است. این هدف مشترک همانا متفرق کردن سرکوب نیروهای مترقی و دوکشور است و دور و نیست از روزی که شکیا طین شهیران و بغداد، "برادرانه" برای سرکوب جنبش انقلابی در دوکشور، بخصوص در کردستان همگاری کنند.

امپریالیسم آمریکا به پروردار اصلی جنگ

از هر طرف کشته و ویران شود، به سود امپریالیسم آمریکا است. این جوهر سیاست دولت ریگان در آغاز دادگاه جنگ بوده است. دولت آمریکا که بر آن بود تا مواضع از دست رفته خود را بر ایران و عراق و کل منطقه احیا کند و حضور مستقیم نظامی خود را در جای ژاندارم نگه داشته و منطقه یعنی رژیم شاه به نشاند، نقشه های رژیم عراق و با جراحی های رژیم خمینی را در خدمت نقشه های خود دید. برای هر کسی که با الفبا سیاست آشنا باشد، روشن است که نشانه های رژیم عراق در نقشه های کویت و عربستان سعودی و فرانسه به عراق، بسد و نترغیب و حمایت دولت ریگان عملی نمی شد و دست کم این جنگ بدون دخالت آمریکا نتوانست این گونه به طول انجامد. جنگ در خدمت نقشه امپریالیسم ایران از زمین بردن دستاوردهای مردمی انقلاب ایران و درهم شکستن جنبش انقلابی مردم در دوکشور بود، جنگ، همانا توطئه ثابت شده رژیم را پیش از پیشینیا زندامپریالیسم و به آن نزدیک می کرد. جنگ، سلاحی را نا بودی کرد که به می با یست از آمریکا و همداستان آن خرید می شد.

جنگ شهرهای رانای بودی کرد که می با یست برای بازسازی آنها. دست کم به سوی انحصارات امپریالیستی دراز کرد. جنگ دوکشور همسایه را به هم مشغول می گردانید تا شیل با خیال راحت بتواند لبنان را ببلند و متلاشی کند و فلسطینیان را در خون غرق سازد. جنگ دستاویزی بود تا ناوگان نیوی آمریکا از درخلین مستقر شوند. جنگ، از میانگسی برای آزودن انواع انواعی بیشتر بود تا همین سلاحها به صورت با زهم پیشرفته تر تکامل یابند. در یک کلام، جنگ، رحمت الهی برای دولست ریگان بود.

دولت ریگان اکنون چنین تبلیغ می کند که با مدخله نظامی او جنگ قطع شد و نیروهای آمریکا رانای می قطع نماید کند. اگر یک ذره ای واقعیت در این ادعاها باشد با پذیرید چرا این "تاج صلح" از میان آغا زهستی قطع جنگ اقدام کند؟ چرا بس از نزدیک به زشت سال به فکر برقراری صلح افتاد؟ پاسخ برای مردم ایران و عراق روشن است. آمریکا بس از زمین به بخش اعظم خواست های خود، مرحله نهائی نقشه را که عبارت از استقرار نیروهای نظامی آن در منطقه خلیج فارس بود. نیز به اجرا گذاشت. آمریکا دیگر به تنهایی نمی توانست این کار را بکنند، لذا با همکاری آمریکا دیگر کوچی برای حمایت در برده اند و جنگ نداشت، افکار عمومی در آمریکا و اروپا و شمال آمریکا، در منطقه خاورمیانه و روسیه به شدت علیه اقدامات جنگ سیخ شده بود و دولت ریگان را زیر فشار قرار داده بود. متحدین و دوستان امپریالیسم آمریکا در منطقه هیچکدام دیگر با اقدامات جنگ موافق نبودند و جنگ را خطری برای بقا یست و منافعی خود تشخیص می دادند. در رابطه با وضع داخلی ایران و عراق اقدامات جنگ خطرات جدی را از ناحیه مقاومت مردمی متوجه منافع ارتجاع می گردید و بحران عظیم همه جانبه دوکشور، سیاست گران و آشکن را به شدت تدقیق سیاست های خود تا چارمی ساخت. از سوی دیگر سوگندنامه رانای آمریکا بی غیرت سی رادر برما به گذاری هر چه سریع تر جهت بازسازی ویرانی که می توان دید و تنها رانای احصایی برکنند، بنایست فراخوش کرد. اینک با اعلام آتش بس، "عسکران کندگان" از سوی غرب سرازیر شده و بدیهی است که قطع این لشکر و هر موضع آمریکا تا شیرخورا داشته است.

بدینگونه، مردم آمریکا در هم درتروع جنگ و هم در دادگاه جنگ مقصر می شناسند و به جای نیان علیه دولتی که این همه جنایت را بر دوکشور رادر تحمیل کرده، اعلام جرم می کنند. مردم ایران هیچگاه تا این اندازه امپریالیسم درنده خور را نشناخته بودند و با تمام نفرت خود اعلام می کنند که تنها زه علیه امپریالیسم خصوما امپریالیسم قلدر آمریکا را تا آخر ادامه دهند.

خمینی و آتش بس

هر کسی که بیانه نیه طولانی خمینی به مناسبت سالگرد مرگ و آتش بس را شنیده باشد، به آسانی می تواند پیغمده که مافا این بیانیه برای جفاند جمان چه تلخ بوده است. مخصوصا آنجا که با اذعان می کند پذیرش آتش بس همچون سرکشدن جام زهر برای آویوده، گاملا گویای حرف دل وی است. آری، پذیرش آتش بس برای خمینی واقعا مشعل نشودن جام زهر بوده است. چرا جام زهر؟ چون در تمام اندیشه ها و احساسات بیمارگونه این شهسکار واقعا املی از ایدلسوزی برای مردم و میهن و جانشی برای صلح و آزادی و عدالت نیست. تا آنجا که به مردم ایران برمی گردد، این مردم همواره از جنگ نفرت داشتند، گدا مردمی زیر این آسمان پیدا می شود که خواستار قتل عمام فرزندان خود، نابودی شهرها و روستاها و کارخانجات خود و آواره شدن و فقر و فلاکت خویش باشد؟ مردم وقت در برابر بگلوله های ارتش شاه میهن سیر سر کردند و سلطنت را و از گون ساختند، همه از رویستان این بود که صلح و آزادی و رفاه و عدالت اجتماعی برای اکثریت زمینکش تا مین شود. نه اینکه سیل خون جاری گردد و آوار ویرانی و ویرانی و بیکاری و فساد همه جا تنها اجتماع بر سران فروریزد. مردم خیلی زود فجاج جنگ را با تمام وجود خود لمس کردند. مردم روزگرمی گذشت اعتراض و نفرت خود را از جنگ بیشتر بر روی دادند و زمانه سیای سرفی خواه به نایبندگی از مردم نبشرد در راه صلح را درمخواسه یان فراداندند. اما رژیم برای جلوگیری از توسعه اعتراضات مردم و شکل گیری یک جنبش متحد همگانی به خاطر قطع جنگ همه دستگامرکوب خود را در دست داشت. تشرور و اختناق در طول جنگ به اوج خود رسید و هزاران نفر طی این سالیان اقدام سر به نیست شدند. از سوی دیگر بیکاری و ویرانی و خرابی از دست دادن مسر درامخو و نیمبری که هر کسی با هزار رحمت در پی آن بود به عامل فشار رهولناکی علیه طرفداران صلح تبدیل شد. علاوه بر عوامل فوق، مردم همگامی را با زمانه صلح سیاسی ترقیخواه در برابر صلح طلب

صلح، عامل دیگر در جلوگیری از تبدیل اعتراضات صلحخواهان مردم به یک جنبش عظیم و سراسری شد. آن سازمانهای سیاسی که به هر دعوتی، بمجمعه دعوت های پیاپی سازمان ما برای همکساری و اتحاد دوبرای صلح باخوردند، با پدیده خود آیند. همه این عوامل باعث شد که مردم ما به رژیم خواست باطلتی را و به هر نفرتشان از جنگ، از اجابدیگ جنبه نینرومنسراسری به خاطر صلح محروم شوند. رژیم تنها هنگامی آتش بس را قبول کرد که به گفته خود خمینی، مسئولین نظامی و فنی و سیاسی به او حالی کردند که شین جناری او دیگر از کار افتاده است و توان ایستادگی ندارد. اگر خمینی با زهم سرما به یوتوان نظامی برای اقدام جنگ می داشت، قطعاً ترجیح میداد که به جای نشودن جام زهر بر آتش بس، جام زهر آدمکش را همچنان در کام مردم سرازیر کند. درک این مسایل برای مردم بسیار حیاتی است. چرا که خطر جنگ هنوز از زمین نرفته و ضرورت مبارزه برای صلح با پدیدار بین ایران عراق و تبدیل ایران به عامل صلح در منطقه تنها اقدام دارد، بلکه تا سالیان دراز، یکسانی از خواست های اصلی خود اهدود. اعتراضات دم افزون مردم ما در دادگاه جنگ، قطع کمک به جنبه ها، امتناع از رفتن به جنبه ها، مقاومت نظامیان میهن پرست در برابر بسیجی ها، تداد جنگ و دیگر بی معنی بودن جنايتار بودن جنگ از سوی توده وسیعی از نیروهای جنبه ها، عامل قاطعی در صلح کردن ما شین جنگی رژیم بود. اما مردم ما نباید به حیوانی شکل از مبارزه بسنده می کردند و برای آینده نیز نباید بدان قانع با شدند. مردم ما بدنبند خود را به صورت یک جنبش متحد و سراسری علیه جنگ و رژیم بسط می دادند. برای تامین صلح با صلح و آزادی و سرنگونی رژیم ولایت فقیه، این وظیفه در چشم انداز آینده مبارزه مردم سرشوت سازاست.

اکنون آینده به برابر ما است و با پدیدار گذشته درس گرفت. مردم ایران و همه سازمانهای سیاسی ترقیخواه نباید به خود اکتفا کردند و بیرون عصب مانگیها تلاش کنند. مردم ایران با پدیدار نندگه بشرفیت مذاکرات، تا مین صلح با پدیدار تبدیل ایران به عامل صلح و تامین آزادی سیاسی و رفاه اقتصادی و عدالت اجتماعی همه وهمه درگرمبارزه متحدانه و آگاهانه سراسری آنهاست. رژیم خمینی صلح با پدیدار همان نخواهد آورد. رژیم خمینی دشمن آزادی و عدالت و دشمن مردم است. مردم ما باید بر سر هدف های مشترکشان متحدانه به پای بایستند، سازمان های سیاسی علیه غم اختلافتشان با یستند تا یستگی خود را در متحد کردن مبارزه با صلح با پدیدار و به خاطر آزادی و آبادی و رفاه و عدالت بس اثبات نمایند. اگر مردم سازمان های سیاسی از این سالهای خویشا جنگ و ارتجاع ایمن درس را بگیرند، آنوقت ما می توانیم بگوئیم که پیروزی بزرگی به دست آوردیم و همه چیز به کام امپریالیسم و ارتجاع و به کام جود جنگ و غفرت برگام نبوده است.

دوستان مردم ما در سال های سیاه جنگ

در سالهای سیاه جنگ، همه نگونه که دشمنان کشور ما خود را افتخار کردند، دوستان ما نیز خود را بیش از پیش معرفی کردند. تمام کشورهای که از زمان آغاز از قطع حمایت کردند، مستقل از نوع رژیم این کشورها، به منافع مردم خودشان و مردم کشور ما و به شش زداشی و صلح جهانی خدمت کردند. به عنوان یکی ملت تمدن و متعهد به موازین بین المللی و اخلاقی باید موضوع آنها را برج گذاشت.

کشورهای سوسیالیستی، از اتحاد جماهیر شوروی چین و زنگه تا گویا، از زمان آغاز، مخالف جنگ و حامی برقراری هر چه سریع تر صلح و حل مسایل دو کشور از طریق مذاکره بوده اند. اتحاد شوروی و چین در شورای امنیت سازمانی سوسیالیستی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بر ضرورت برقراری صلح پای فشردهند. کشورهای سوسیالیستی گوشتند تا هر امکان سیاسی را که در اختیار دارند به خدمت برقراری صلح بین دو طرف قرار دهند. ما همه این اقدامات را ارج می نهیم. ما یک تجربه را نیز می فرایم، به عقا ما همه کشورها، خواهان قطع جنگ می با یست اقدام همه تنگ تر و قطعی برای صلح تحریک فروش تسلیحات آنها جمی به دور رژیم انجام می دادند. چنا نچه دور رژیم از دریافت اسلحه آنها جمی به هر شکل محرومی شدند، قطعاً ما شین جنگی آنها زودترین بیست می رسد.

علاوه بر کشورهای سوسیالیستی، کشورهای دیگری با نظام های سیاسی گوناگون، مانند هند، نیکاراگوئه، مکزیک، سوئد، فنلاند، ژرمنیا و سایر الجزایر و سایر دیگر از قطع فوری جنگ حمایت کردند. مردم ما هم این اقدامات را ارج می نهیم و به سوتشش زداشی در صلح بین المللی می دانند. متاسفانه علاوه بر دولت ریگان و همداستان امپریالیست آن، برخی از رژیم های فدا امپریالیست به گونه ای دور از انتظار موضع دفاع از جنبش گرفتند و در کشور جنگ خمینی میزم انداختند. در این

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

- * هرگونه تعقیب و پیگردمخالقان و تحریمکنندگان جنگ، مشمولین فراری، درجهداران، سربازان و سپاهیان تحت پیگرد باید فوراً متوقف گردد.
- * علیه اعدای جنایتکارانه و گروهی زندانیان سیاسی به پاخلیزیم.
- * انتقامجویی از مجاهدین خلق ایران را با خشم و نفرت محکوم می کنیم.

مردم قهرمان ایران! سرتاجا سه هفته پس از تسلیم رژیم جنایتکار خمینی به قطعنامه ۵۹۸، رژیم کجای عراق و تملک بشریت مجبور به تکلیف به آراء مردم عراق و تملک بشریت صلح دوست گردید و اما دگی خود را برای بدبختی آتش بس اعلام کرد. اما در شرایطی که زیر فشار مبارزات پیگیرانه شما، اعلام آتش بس و قطع جنگ میسر گردیده است، سران رژیم در کمال وقاحت و بی رحمی در گمراهی شما دمانی مردم به خاطر آتش بس، نقشه های انتقام جویانه و دمدنشانده جدیدی برای سرکوب نیروهای ترقی خواه و هرکس که با ادامه جنگ مخالفت کرده است را به اجسرا گذاشته اند. طی ماه های اخیر که شکست سیاست های جنگ طلبانه رژیم نمایان تر شد، دستگیری، شکنجه و اعدام گروهی مبارزان و مخالفین جنگ و استبداد شدت تازه ای یافت.

مردم و طنان، مردم شریف ایران! رژیم خمینی قتل عام فرزندان زندانی شما را شروع کرده است، رژیم خمینی هنوز سبیل خون جبهه ها قطع نشده، قتل عام فرزندان انقلابی و مبارزان را شروع کرده است. موسوی اردبیلی، مسئول شورای قضائی رژیم جعل و جنایت، علمنا و رسما دستور اعدام های بدون محاکمه و دستگیری زندانیان سیاسی را صادر کرده است. رژیم همچنین به بیانه درگیری های نظامی با مجاهدین در غرب کشور، موقعیت را برای اجرای نقشه پلید خود جهت انتقامجویی از آنان و دیگر فرزندان مبارز شما مناسب دیده و نقشه تبهکارانه جدیدی را به اجسرا گذاشته است.

ما همدارو دایه بدیدیم و با زتکار می کنیم که رژیم خمینی قتل عام فرزندان زندانی شما را شروع کرده است، رژیم خمینی هنوز سبیل خون جبهه ها قطع نشده، قتل عام فرزندان انقلابی و مبارزان را شروع کرده است. موسوی اردبیلی، مسئول شورای قضائی رژیم جعل و جنایت، علمنا و رسما دستور اعدام های بدون محاکمه و دستگیری زندانیان سیاسی را صادر کرده است. رژیم همچنین به بیانه درگیری های نظامی با مجاهدین در غرب کشور، موقعیت را برای اجرای نقشه پلید خود جهت انتقامجویی از آنان و دیگر فرزندان مبارز شما مناسب دیده و نقشه تبهکارانه جدیدی را به اجسرا گذاشته است.

میان مواضع دولت های سوریه و لیبی بسیار نادرست بوده است. به اعتقاد ما سیاست آیین دولت ها در قبال جنگ ایران و عراق با شکست فاحشی روبرو شده که نزد مردم جبراً باید پاسخگویی آن باشند.

آتش بس در جنگ ایران و عراق، فصلی تازه در تاریخ سازمان ملل متحد است.

شاید هیچگاه که بوترملح اینگونه بفرستار سازمان ملل متحد به پروا زدن به مدها بشکست که جریان تلاش برای قطع جنگ ایران و عراق، باید به این سازمان و به شخص برون دوگوشا، به بیاس نقش صلح فریبی که در این جنگ ایفا کردند، سپاس و شادباش گفت و ما ایرانیان با بد نخستین کسانی باشیم که این سپاس و شادباش را از می داریسم.

رژیم خمینی به همان میزان که از صلح نفرت داشت، همچون دیگر نیروهای ایستاد و ماجراجو از آیین سازمان ایران نفرت می کرد و می گوشید هرگونه کوشش صلح طلبانه از آن را خنثی کند، با این همه تلاش متولان و دبیرکل سازمان ملل متحد تا شریانی در پیشبرد آتش بس داشت. بدون شک نقش سازمان ملل در آیین آتش بس، فصلی تازه در تاریخ است.

در طول تاریخ سازمان ملل، بسیار کوشیده شد که این سازمان صرفاً در سطح یک نهاد دویک ارگانون بی محتوا تنزل یابد یا لکل مجرای دستورات و خواست های امپریالیسم امپریال گردید. اما بشریت ترقیخواه هیچگاه در ضرورت آیین سازمان شکست نمی توان گفت در دو دهه آخر قرن ۲۰، ضرورت آیین سازمان و شرایط آیفای نقش هر چه بیشتر آن در سمت حفظ و گسترش همزیستی مصلحت آمیز میان کشورها و حمل و فصل بسیاری مسائل منطقه ای و جهانی به سرعت روبه تقویت داد. چشم انداز نوینی که در او بط بیانی لمللی پدیدار شده همه مؤید همین امر است. در آیین میان فعالیت آیین سازمان در جریان جنگ ایران و عراق و بارزترین نمودار آن شیرگذاری مثبت آن است و از همین روموقیبت آیین سازمان در اعلام آتش بس میان ایران و عراق را می توان در تاریخ سازمان ملل، یک نقطه عطف دیگر قلمداد کرد. مردم کشور ما با تجارب گران که به دست آورده اند به سبب خوشی در جهت تقویت آیین سازمان و افزایش نقش آن قبل از همه در قبال امر صلح خواهند کوشید.

ضرورت تشدید نیرو برای صلح و آزادی رژیم ارتجاع بلافاصله پس از تن دادن به صلح دوست و مترقی کشور به راه انداخته است. نزدیک به یک میلیون کشته، میلیون ها آواره، چندین شهر و مدنها روستا ویران شده، اقتصاد دورگشته، بیکاری، گرانی و آشکار شدن همه شایعات و عوام فریبی های

رژیم به خاطر ترس از آینده خویش، برای زهر چشم گرفتن و جلوگیری از گسترش اعتراض و مبارزات شما به ترور و خنثی کردن شما علیه زندانیان سیاسی متوسل شده و خواهد شد.

طی روزهای اخیر با ۷ تن از مبارزان راه صلح و آزادی، از کادرها و اعضای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب توده ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران اعدام شدند. با نزنده تن از اعضای سازمان مجاهدین خلق در مقابل چشم مردم در استان باختران به دار آویخته شدند. حکام اعدام گروه های بسیاری از زندانیان سیاسی وابسته به سازمان های سیاسی مترقی مورد تالش میسند. به ادعا هیای رژیم قرا رگرفته و هر روزی سروصدا به اجرا گذاشته می شود. رژیم خونخوار می خواهد شد تا دمانی شما به خاطر آتش بس را به عزای تازه ای تبدیل کند.

با اعتراض و مبارزه متحد خود، علیه آیین جنایات بی باق و انتقام گیری کور رژیم به پاخلیزیم. اجازه دهید خمینی و همدستان سفاک شما زندانیان سیاسی را قتل عام کنند. هم میهنان صلح دوست و آزادیخواه!

حال که زمان آتش بس نزدیک شده است، مبارزه خود را برای خنثی کردن نقشه های سرکوبگرانه و انتقام جویانه رژیم علیه مخالفان جنگ و همسنگ کسانی که از کمک کردن به جنگ امتناع کرده اند، شدت دهید.

پیگرد همه افسران، درجهداران، سربازان و سپاهیان که به خاطر عدم تمکین به سیاست همدان و فراموشی جنگی تحت تعقیب قرار گرفته اند، پیگرد همه مسئولانی که به هر دلیل از خدمت سربازی ویسند

ددمنشان رژیم برای مردم، چنان که هر اسی بیسه دل حکومت انداخته که سراسیمه سرکوب و کشتار مبارزین را به عنوان حربه مقابلد در پیش گرفته است. خمینی که قصد داشت بخش بزرگی از عراق را "فتح کند"، مجلس اعلا آخوند سا ختاره در آنجا به حکومت برساند و به اصطلاح از طریق کربلا سراققدس و بیحمت تل آویودر آورد، اکنون چنان خود دهنی خورده و دلدیل و فشا شده است که فقط به مردم جنگ و دندان نشان می دهد تا بگویند آنها را بهر اسانوا کت نگاه دارد. خبرهای هولناک اخیر مبنی بر کشتار گروهی زندانیان و به خاک سپردن شبانه آنها در گورهای جمعی و ارائه لیست های چند صد نفره از مبارزین به قتل رسیده، همه همه کاسی از انتقام جوشی های آیین خود کشتارها است.

از سوی دیگر همه واقیعت ها نشان می دهند که آتش بس تا دست یابی به صلح با یاد راه بر بیج و خمی است پراز خط های هولناک جدید علیه صلح و امنیت کشور. تبدیل آتش بس به چنان صلح پایداری که نطفه های شش و جنگ را از زمین برودا و کشتور ما را از یک عالم جنگ به عالم صلح در منطقه تبدیل کند، در گرو تقویت فرا آینده نیروهای صلح است.

آیین واقیعت ها ثابت می کنند که نبرد در راه تبدیل آتش بس به صلح پایداری میسر نیست. آزادی کما که در اس خواست های مردم و همسنگ سازمان های مترقی قرار دارد. روشن است که مردم همواره خواهان چنان حقوق و شرایطی هستند که به شکل مصلحت آمیز بودن خویشی، قدرت و اراده خود را به کرسی بنشانند. اما رژیم جمهوری اسلامی هرگونه راهی برای اعمال اراده آزادانه مردم از میان برده است. مردم بدون نبردی قاطع جهت سرنگونی آیین رژیم قرا در نخواهند بود به خواست های صلح جویانه، از ادیخواها نه وعده الت طلبانه خود دست یابند.

سازمان های سیاسی ترقیخواه با توجه جدی به تجارب تلخ آلهای جنگ با بدبختی نوبسین خط های گذشته را جبران کنند و در راه همکاری و اتحاد همه نیروهای مردمی برای تامین آزادی و صلح پایداری و سرنگونی رژیم ولایت فقیه به پاخلیزیم. شما نباید بگذارید رژیم در شرط تفرقه مردم را مورد هجوم قرار دهد و با راه ها به جو خشم های اعدا بسیار دردهم. سازمان های ترقیخواه می توانند به عیان ببینند که شرایط پس از آتش بس نیز همچنان اتحاد دو همکار برای براندازی رژیم ولایت فقیه و تامین آزادی و صلح پایداری به عنوان مبرمترین وظیفه جنبش مردمی پیش روی ما می گذارد. به اعتقاد ما، هرگونه کوتاهی در همکاری و اتحاد به خاطر هدف های فوق طبیعی از جز تقویت ارتجاع حاکم نخواهد داشت. مردم بسیار امیدواری و گسترش مبارزه خود، چشم انتظار رجائینتی برای رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی هستند. بیاید با اتحاد

برقراری آتش بس و ... بقیه از صفحه اول

مبارزات صلح جویانه خود را با بدگسترش دهیم. هم میهنان!

چنان آتش بس با بدبهر روز با یکویی صلح پایداری برود، تضمین صلح و دستیابی به آزادی در گروی سرنگونی رژیم تبهکار ولایت فقیه است. جنایات تا بخشودنی رژیم در آراء مه دادان به این جنگ هستی سوزگه کشتار و ویران کرد و مردم را به مصیبت و فلاکت مبتلا کرد، با بدب سرنگونی آن کیفر داده شود. با بد هرگونه توجیه و بیانه تخرابی سران حکومت در آراء غیر مسئولانه جنگ و اجتناب یک ساله از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را وسیع افشا نمود و آن حربه ای ساخت علیه جنایتکاران جنگی حاکم که در نهایت بی مسئولیتی و قساوت جان صد ها هزار جوانان ما را با بدب میال شوم و پلید ویرانه های ما جرایوبانه وی فرجام خود قرار دادند.

هم میهنان صلح دوست، نیروهای مبارزه راه صلح! کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، در آیین لحظات سرور و شادی عمومی و در آیین لحظات حاس و خطیر، با بدبگرضن اعلام گرمترین تهنیت های خود به مناسبت برقراری آتش بس از شما دعوت می کند که در راه آزادی کامل قطعنامه ۵۹۸ مخوف رژیم جویانه خود را فرشته ساخته و یکجا رجه و متحد رژیم شکست خورده و بی آینده خمینی را گام به گام عقب بنشانیم. بیاید با تامین اتحاد در صفوف و کباروشنگرانه و بسیج گران در راه صلح پایداری، آزادی و سرنگونی رژیم استبدادی ولایت فقیه را گسترش دهیم و طلبیعه پیروزی خلق را در افق مبین پدیدار سازیم.

زنده باد صلح
پیروز باد مبارزه خلعت
دورا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۲۹ مرداد ۱۳۶۷

پس از گذشت بیش از ۹ سال از انقلاب بهمن و سپری شدن دودوره مجلس شورای اسلامی هنوز قانون علیرغم فتوای خمینی، بن بست قانونگذاری همچنان با برجاست.

رژیم خمینی بعد از ۹ سال تحلیل و مفاومت در مقابل اعتراضات و خواست طبقه کارگر مبنی بر تدوین قانون کار مترقی سرانجام در آبان ماه ۶۶ قانون کار "جدید" را از تصویب مجلس دوم شورای اسلامی گذراند. این قانون با اینکه نسبت به قانون کار زمان شاه در بعضی از عرصه ها، دستاوردهای مبارزاتی کارگران را منعکس می کرد اما در اساسی ترین وجه، رد قانونی ضد مگر تیک و ارتجاعی بود. از جمله، قانون کار رموبه مجلس شورای اسلامی کارگران را از حق شکل مستقل منفی (سندیکا) و امنیت شغلی و حق اعتصاب محروم کرده است. اما حتی همین قانون کار نیز علیرغم همه خصویات فئودال مگر تیک خود نتوانست رفا بست خاطر "فتیحا" را شوری نگهیند. این قانون با اینکه نسبت به قانون کار "جدید" مصوبه مجلس، خواستار منته کردن هر چه بیشتر آن هستند.

آنها پس از شکست فضا حت با ر قانون کار صدر رسد اسلامي توكلي، می خواهند قانون کار اسلامی بعدی در حلال مهر و نشان شرع را بر خود داشته باشند. با شوا لا قبل همین اجاعف و تبعیض، همبستگی حق کشتی ها و بی قانونی های موجود همه آنچه را که رژیم خمینی طی ۹ سال به طبقه کارگر تحمیل کرده، به مثابه قانون حفظ و تثبیت شود.

در ۹ سال حیات جمهوری اسلامی، صدها هزار کارگر شغل خود را از دست دادند. شمار کثیری از آنها بدون پرداخت کوچکترین غرامت از کار اخراج شدند. مشکل های واقعی کارگران مورد بی توجهی و

اوباشان و جماعت بدستان سیاه و کمیته ها و حاکمان کارفرما بی قرار گرفتند. شما بندگان انقلابی را کارگران دستگیر و با زکا اخراج شدند. هزاران کارگر به زور و با اجبار به جبهه های جنگ بی هوده گسیل شدند و بسیاری از آنها جان خود را از دست دادند. دستمزدها تهافتها متناسب با تورم سرسام آور افزایش یافت بلکه قدرت خرید کارگران در جمهوری اسلامی سیر نزولی پیمود. حتی بسیاری از کارگران از امتیازاتی که در برتومبارزاتشان در زمان شاه از آنها برخوردار بودند، در جمهوری اسلامی محروم شدند. به طور خلاصه باید گفت که در جمهوری اسلامی.

قانون کار اسلامی همچنان در بن بست

تاکنون به جای قانون کار، عدم امنیت شغلی، عدم امنیت جان و مال کارگران حاکم بوده است. تدوین این وضع به طور قطع به نفع کارفرمایان و دولت جمهوری اسلامی است. لذا کارگران جمهوری اسلامی سیاست تحلیل و وقت کشی را در دست و پوی تصویب قانون کار به عنوان تاکتیکی در حمایت از کارفرمایان علیه کارگران به کار می گیرند.

شورای نگهبان همچنان به سیاست مفاومت نسبت به تدوین برابر طبقه کارگر، بلکه در برابر دولت و مجلس شورای اسلامی نیز که مدافع یک قانون کار بورژوازی هستند، ادامه می دهد. شورای نگهبان علیرغم فتوای خمینی و عقب نشینی بخشی از حاکمان خمینی همچنان در دفاع بی قید و شرط از منافع کلان سرمایه داران و تجار بزرگ و حمایت از شرع در برابر الزامات سرمایه داران ایران، سرسختی نشان می دهد.

سردی زاده طی مصاحبه ای اظهار می داری

حیثیت از نزدیکان و آشنایان قربانیان کشتی شخصیت را، که علیرغم مصونیت رسمی تحت تضمینات و محرومیت های اجتماعی تا حدی زدا شد و تبعیض قرار گرفته بوده اند، نیز شامل روند حاکمیت جاری شمرد.

رئیس "کمیسیون ... همچنین تاکید کرد که این ارگان در نظر دارد پرونده "فعالین احزاب کمونیستی کشور" را در پرونده کمینترن را که به تصویب شورای بود" و گرفتار سرنوشت مشابهی شدند، مورد بررسی قرار دهد. او گفت در نظر است این کار، که از اواسط دهه ۱۹۵۰ شروع شد، تا تمام ما ند، در ارتباط با احزاب مربوطه "پی گرفته شود.

روند جدید بررسی پرونده های سیاسی با لهای مذکور با اعلام تشکیل کمیسیون مربوطه در هفته های سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در سال گذشته شروع شد. میخائیل گارباچف در گزارش خود در آن تاریخ در برابر "تلاش های برای ورگردانی از مسائل درندگان" تاریخ حزب و کشورش، زور و تلاش های که می خواهد نمود کند که گویا هیچ اتفاقی نیفتاده است، گفت: "ما نمی توانیم با این امر موافقت کنیم. این بی اعتنائی به حقیقت تاریخی و بی احترامی به خاطر گسائی است که قربانی بی گناهان قانون شکنی خود سرتی شده اند."

کنفرانس اخیر حزب کمونیست اتحاد شوروی (۸ تا ۱۱ تیرماه) نیز پشتوانه نیرومندی برای ادامه و گسترش برخورد با این مسائل درندگان" ارائه داد. "حزب در آینده هرگز اجازه نخواهد داد چیزی مشا به آنچه که دوره کبش شخصیت و دور هر کودتا شد آن بودند و موجب کج سامانی در جامعه سوسیالیستی شد، رشد جامعه را به تحویق انداخت و قربانی های عظیم انسانی و فاجعه های روحی و فکری بی شماری به بار آورد، تکرار نشود" (از نقلها میسر شد. کنفرانس ۱۹).

بیکروهمه افسران، درجه داران، سربازان و سپاهیان که به خاطر عدم تمکین به سیاست ها و سرامین جنگی تحت تعقیب قرار گرفته اند و پیگرد همه متولاتی که به دلیل از خدمت سربازی و یا رفتن به جبهه ها و خدمت به جنگ سر باز زده، شد. با بدفورا متوقف گردد.

با بدبیکرها و محدودیت های ایجاد شده برای خانواده های که به خاطر طرجات جان فرزندان و جوانان خود از مصیبت جنگ، از زوطن خویش آواره شده اند، فوراً و کاملاً قطع شود. هرگونه پیگرد اعمال فشار و محدودیت برای مهاجرین از وطن به خاطر جنگ جنتا بکار، به یاد منفی گردد. با زکشت بدون پیگرد مهاجرین به وطن خویش و تامین امنیت کامل آنها تضمین شود.

رفقا! این تراکت را همه جا پخش کنید!

کرد که تصویب نهائی قانون کار اسلامی با توجه به فتوای خمینی انجام میگردد. اینکه فتوای خمینی در عمل تا چه اندازه تبعیض شوری نگهیند را در منته کردن قانون کار رموبه مجلس کند ما میدون کار سرخا میا چه مختصاتی از تصویب نهائی بگذرد، برای کارگران ایران میم است، اما مهم است از آن این است که نه تنها خواست کارگران را شوری نگهیند، بلکه موازین ضد مگر تیک حاکم به طور طبقه کارگر در مجلس این بوده و هست که این مصوبه نمی تواند پذیرای آن باشند. تلاش وزارت کسار و دولت و نیز گردانندگان "خانه کارگر" پس از تصویب قانون کار در مجلس این بوده و هست که این مصوبه را به عنوان یک دستاورد بزرگ به کارگران تحمیل کنند و شرايطی به وجود آورند که کارگران با توجه به مواضع شوری نگهیند، به اصطلاح رژیم مرگ به تب رفا بت دهند.

نکته مهم دیگر اینکه، کاهش میان شوری نگهیند و مجلس علیرغم فتوای خمینی ادامه می دهد و چشم انداز تصویب نهائی قانون کار جمهوری اسلامی پس از ۹ سال همچنان نا روشن است. و این امر برای کارگران این مصوبه ما به ویژه امروز یعنی در شرایطی که جنگ سیزده ماهه بیکی از علل اصلی دستاویزها و اصلی عدم تصویب قانون کار، قطع شده است، به هیچ وجه بدبیرفتنی نیست. کارگران مبارز در دین حال که به مبارزه خود علیه تشبثات مذبوحانه شوری نگهیند ادامه می دهند، مبارزه خود را جهت افشای قانون کار اسلامی مصوبه مجلس و برای تدوین یک قانون کار دمگراتیک و مترقی همچنان بیوقفه ادامه داده و پیش خواهد برد و هرگونه دفع الوقت در تصویب و اجرای آن را طعنه افشا خواهد کرد.

بازسازی کشور... بقیه از صفحه ۸ است. ترمیم این ویرانه های عظیم جز با بسیج همه امکانات انسانی میسر نیست، بسیج کلیات انسانی تنها از طریق تامین آزادی و حقوق بشر و دمگراتیک مردمگرا می پذیراست. همگامند هزاران کارشناس و متخصص میهن پرست در زندان های رژیم محبوسند. صدها هزار تن از جمله هزاران کارشناس و متخصص فنی به مهاجرت تحمیلی تسن داده اند.

سران رژیم از هم اکنون از "محکم بستن کمربندها" سخن می گویند و از جمعیتان می خواهند که زندگی فلاکت بار رکونی را با زهم تحمل کنند تا آنها بتوانند مناطق جنگ زده را با زسازی کنند. چنین توفعی ز مردمی که از هستی ساقط شده اند، بیبا تگرا و بی شرمی آخوندهای حاکم است. اکثریت عظیم مردم میهن ما، اکنون سالهاست که کمربندها را تا حد امکان سفت کرده و به زندگی فلاکت بار در زیر کمربند فقر ادامه داده اند و دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند. فتیحا ای حاکم گروا قضا به ما میسب منافع مالی برای سوزای میا ندیشند، بهتر است از فکر بریدن جیب خالی شده های مردم بیمنه فرزند و سواد و سواد میلیاردهای از ابرو بند و از منافع میلیاردها ریالی که آنها از طریق کثیف ترین بندوبست ها با مقامات حکومتی، ایجاد یا زاریا ه و صدها حیل و ترفند در دنیای دیگر به چنگ آورده اند، برای بازسازی ما تبیین اعتبار کنند.

اگر قوی آخوندها دسته خود را نمی برد تا جر تراگر و میلیاردها زار که "استوانه حکومت آخوندی است، در بی یکدم ما لیاقت قانونی خود را نیز نمی برد، مردم زحمتش به کدام دلیل با یاد زبان شب خود برای سوزای منافع جنگ زده بگذرد؟ حکومتی که نوکر تنها رفا تراکست و بیست خواسته های عدالت خواهان زحمتمندان و قمع می نمی نهد، در جریان بازسازی ما هیت ضد مردمی خود را بر ملا می سازد و بدینگونه است که مبارزه در راه عدالت اجتماعی به مثابه جزئی از مبارزه علیه رژیم، در جریان بازسازی و مای با بد.

در دنیای پیچیده امروز، امر با زسازی نمی توان بدون اتحاد یک سیاست خارجی روشن، صریح و مبتنی بر منافع ملی با موفقیت تقریبی گردد. سران رژیم که با شلاق وقت خواری به پای میز مذاکره برده شدند، اکنون ناگزیرند از موضع ضعیف مطلق با قدرت های امپریالیستی تجدید رابطه بنه کنند.

ارتجاع حاکم بنا به مایز خود نخواهد توانست سوزای مناطق جنگی را بر اساس منافع ملی و مردمی منتحقی سازد و بیگاری و فسادگسترده کنونی، حداقل در کوتاه مدت، با زهم افزایش خواهد یافت. نیروهای آگاه، ملی و مترقی، باید ترفندهای نظامی گرایانه رژیم و جنبه های استبداد آن را در قرا داده های بی بنهستی می شوند را افشا نمایند. و با نشان دادن رابطه حکومت و تجار بزرگ با زار و بر ملا کردن غارتگری های که در جریان بازسازی سازمان داده می شود تا جیب آخوندها و عمالشان پر شود، با غارت زحمتمندان، به بهانه ناب زسازی مایه بنه نشانایند.

"قضاوت" در خدمت جنایت

جمهوری اسلامی چهار مرتباً با زدهم تیر ما گذشتہ عنوان "هفته قضا" اعلام کرد. دویچا مورن قضاوت بی مسامت آن ودعا ع قوه قضا شہار محرومین نضعقان سروصدای زیاد بدرا انداخت.

رژیم خمینی پس از انقلاب بہمن ۵۷، بہ سیستم قضا شی را با سیستم "اسلامی" بے کرد. حقوق وقفا در رژیم جمهوری اسلامی بسر ذراع اسلام خمینی گذاشته شد. و روحانیون و ندرهای ریزدورشت، دادگاها و دادگاها را قبضہ نشدو شرکت مردم در کار قضاوت رسما ممنوع شد.

تربیت رژیم خمینی برخلاف تبلیغات دروغین نہ تئیا قوه قضا شی را درمی نگرد، بلکہ بی شیشیش آن را از دسترس مردم دور ساخت و بہ تیسول آن خودجنینکنک رتشدیل نمود. قانون اصلی رد، کہگا قضاوت برپا بیآں صورت می کیورد، ن "قضا شی" یا اقتضای موشی کوروحشیانہ است. ان قصا شی جز عقب ماندہ ترین وجنایتکارانہ ترین نین قضا شی موجود در جهان است کہ بیگا نگر ٹلوژی وجوی حیوانی و خدا نسانی آخوندہای ہرا ایران می پشد. "قضا شی" وحشی گری، جنایت ہیمنت را بہ صورت قانون درآوردہ و بہ دستس ی وحشی حاکم برکشور داده است. معنای واقعی ن قصا شی توان از روی این سخنان نیری، وزیر سہارک خمینی پیرا مون احکام بی برای کسی ن کہ بیہ خاطر بیم گذاری درقم گپرشہ بودنہ شناختا، واگفت: "با پیدا بیستادویا وگوشی مہمین را بریدہ وچشان آن را از ہدر آوردن اگا ہ حکم عدا م اجرا کرد. (اطلاعا شہریور ۶۵).

بتما ن قانون ویا این روحیہ بیما رگونہ بات بشمار ا انجا شہدوی شؤد، انسا نہسای اری سنگسار می شؤند، دست ہا وپا ہا بیسیاری می کرد، چشم ہا بیسیاری از حق بیرون آوردہ ٹودوی پیکر ہا بیسیاری شلاق و تا زیہ نہ می خورد. رژیم علیرغم این شیوہ ہا وحشیانہ نتوانستہ، کوجکترین امنیت قضا شی را درجا موعدا مینہ تنہا، درسال ۶۴، ۲/۶ میلیون پرونہ شدہ بیہ ادگا ہا بی جمهوری اسلامی ارجاع شد. این رقم ال افزایش می پشد. پیدا ادگا ہا شی شوع بسا ال مشغول ن ہا رتو بہ صدورا عکس ضدیشری تا زو ہا ی می پردازند. مقننہا ن حق مؤدیکنوی شوری قضا شی ہنگام ا را نہکارنا مہ سیاہ قضاوت مہوری اسلامی درسال گذشتہ گفت کہ درسال ۶۴۶۷ نوزمولا حکام "حدود متزبیرات اند. ۱۵۹۶ نفر شلاق خوردہ اند و تعدادی ہم بت اجرای حکم قصا شی ورج (سنگسار) بسودہ ی (۲۵ اسفند ۶۵).

انگیزیت قریب بہ اتفاقا قریب انیان احکام ادگا ہا شی شعی رژیم مردم عادی وزجتکشی بل می ہدف، رژیم اسلامی با گسترس بیکاری و گرسنگی، با شاعہ فرهنگ فاسدو شایش جنگ نیریزی، با تحریک مردم علیہ یکدیگر، زمینہ ہا ی جرایم وپزہ کاری ہا را فراهم می آورد و با کمک ن ہا قضا شی خود، مردم عادی وقبیر زجتکشی و

گرسنہ قریب انی این نظام را سرکوب می کند. محکومین در پیدا ادگا ہا اکثرا مستاجرینی ہستند کہ می خواہند از خانہ بیرونشان کنند، کارگران ہستند کہ نخواستہ اند حقوق خود را بہ آسانی از کف بدهند. ہدقنا نانی ہستند کہ خواستہ اند زمین شان را از دست بردارن یا حفظ کنند. زنانی ہستند کہ بہ برکت قوانین خانوادگی رژیم مجبور بہ طلاق شدہ اند و بسا درا شریک و کشتہ شدن شہر و پور ویرا دروا زشدت فقر، بیخجنا نت دادہ اند، و با لآخرہ، جوات نسیم ہستند کہ بہ دلیل فشار ہا ی مزید نبودند سرگرمی و تفریحات سالم و رواج گسترندہ مواد مخدر، تہیہ دا مسودا گران مرگ افتادہ اند. شاکیان در پیدا ادگا ہا ی جمهوری اسلامی گردن کلفت ہا نسی ہستند کہ ہر گدما مجہدین خانہ دار رند، سرما پیدا رانی ہستند کہ حقوق کارگزاران را خورندہ اند و بسا زہم طلبکار رند، خانہا شی ہستند کہ می خواہند ہدقنا نان را زمین ہا بیرون کنند. حاجی با زاری ہا نسی ہستند کہ و موصل طلبشان بہ تحویب افتادہ است.

پیدا ادگا ہا ی اسلامی بہ نام قوانین اسلام، ہمجا بہ سودما لکنین و سرما پیدا ران و شروتمندان، ہدقنا نان و کارگران و مردم زجتکشی را خانہ خراب می کنند، غارت کردہ و بہ زندان می افکنند. کار بسہ جا شی رسیدہ است کہ حتی موسی خویشی، ہا دادستان کل کشور، درمصاحبہ را دیوئی خود بہ مناسبت ہفتہ تقا شی، بہا عمل ن فوذخان و سرما پیدا روجا جی با زاری اعتراف کردہ می گوید کہ گرا حیا نانی گرا گذار ن شروتمند و سرما پیدا روجا زاری گردن کلفتی بہ عنوان مہتمم پیدا ادگا ہ بیستادگا ہ: "از گوشہ و کنار تلخنبا ہ قوفہ قضا شیہ، بہا ین دادگا ہا، بہا بسن دادستان (سرا زیری شؤد) کہ این شخص چنین است، چنان است، آدم خوب و مندینی است، آن قدر فشار می آوردن کہ با لآخرہ قاضی ہم آدمی است، تحت تاثیر ممکن است قرار بگیرد " (خوشینو ہا - را دیوئی و مہوری اسلامی - ۱۵ تیر ۶۷).

تا برابری و تبعیض جز جادی تا پذیرسر دستگا ہ قضا شی اسلامی است. بزرگترین تبعیض نسبت بہ مردم، ممنوعیت عملی و رسمی آخوندہ ہا از مجازات ہا شی است کہ در حق مردم عادی اجرا می شؤد. برای آخوندہ ہا دادگا ہا و پوزہ روحا نیت در شت کرده اند و اگر آنہا بہ شنیع ترین و کثیف ترین جرائم پیروزیت بزندنہ، (جینی کہ زیا دا اتفاق می افتد) نہا بتا "طلح لیبش" می شؤند و بسا زہری بہ شہر دیگر "تبعید" می گردند. در صورتی کہ قصا ن جرایم از روی مردم عادی ہا وحشیانہ ترین قصا شی جنایت ہرماہ است. اسلحدگا ہا و پوزہ روحا نیت ادگا ہ کہ وظیفہ جامع یک باندر برای قلع و قمع بانہد دیگر را عہدہ درمی شؤد و یا ہنگامی کہ بہ مناسبت و بیستادگا ہ سرکوب اعترافات روحا نیون ترقی خواہہ کسار گرفتہ می شؤد، سبعت گرگان حاکم را ہما ننندسا بر محاکم شوع بہ نامش می گذارد. این دادگا ہ عین حال و سیلہای اسب برای پنیان نگہداشتن فجایعی کہ با نندہای رقیب علیہ یکدیگر مرتکب می شؤند. ماہیت جنایتکاران دستگا ہ قضا شی رژیم بیشترا ہر جا در موا جہان با مخالفین سیاسی حکومت اشکار می شؤد. در این عرصہ، وحشی گری و جنایت کاری پیدا می کند. "دادگا ہا ی انقلابی" بدون اتکا بہ هیچ قانونی، بہترین فرزندان مردم یعنی زندانیان سیاسی را بہ زندانہا

طول المدت محکوم می کنند و بہ جوخہ عدا م می سپارند. در پیدا ادگا ہا ی شرع، دادستان و قاضی و خاکم شرع در وجوب آخوندگنا بتکار خلاصہ می شؤد. نہ وکیل مدافعی، نہ خبرنگاری ونہ تئیا شگری. دادگا ہا در عرض چندہقیبہ حکام عدا م مہتممین را ما درمی کنند. ہم مردم جنابا بت قضا ت اسلامی نظیر خلخال جنایتکار در کردستان و ترکمن سہارا و جنایتا نی نظیری شہری را در محاکمہ زندان نییان سیاسی بہیا دادارند.

سرا ن رژیم جدا از مشتی شعا روعا م فریبنا نہ، ہرگز از روی آمار و ارقام نشان نمی ہندند کہ احکام پیدا ادگا ہا ی رژیم عہدہ چہکسا نی ما درمی شؤد زیرا در آن صورت معلوم می شؤد کہ دستگا ہ قضا شی رژیم اسلامی تماما علیہ مردم عادی عمل می کند و سیلہای است برای سرکوب آخوندگنا ہا، کشیدن شہرا چنان و غارت آنہا توسط مشتی آخوند دولتی و سرما پیدا رند و زو محترک.

آنچہ کہ با عت می شؤد دستگا ہ قضا شی رژیم بہیک ا ز عقب ماندہ ترین و جنایتکارانہ ترین دستگا ہ ہا ی قضا شی موجود در جهان تبدیل شؤد، این است کہ رژیم جمهوری اسلامی قوفہ قضا شیہ را نیز مثل ما برنہا ہا ی حکومتی مذہبی کردہ و قوا نین شرع را بہ جای قوانین حقوقی امروزی نشا نہتہ است. مردم چنان صدا ہا ل بیش دادگا ہا ی تفتیش عقاید قرون وسطی و سایر جنایتا نی را کہ بہ نام مذہب و سورت گرفتہ، بہ چشم دیدہ و مبارزہ برای جادی دولست و از جلہ دستگا ہ قضا شی ا مذہب را آغا ز کردند و سرا نجام در شما ر کشی ا ز کشور ہا موفقی شدند این جادی را قانونی و عملی کنند، مردم ایران نیز در این راہ مبرا زتی طولانی و پر شردا شہا نہ، "عدا لتخانہ" یکی ا ز شاعر ہا ی مہم مردم را انقلاب مشروطہ شؤد و مردم با این شعا رخواستار آن بودند کہ ہا را ہا ستبدا نہ حکا مہا ر شؤد، امنیت قضا شی تا مین گردد و بہ ویژه دستا خوند ہا ی قضاوت و قضاوت کویا ہ و قوانین عرفی و امروزی جا یگزین قوانین قرون وسطا شی شؤد، ا رجاع حاکم یکی ا دستا وردہ ہا ی انقلاب مشروطہ و ہفتاد سال مبارزات مردم ایران را تا بیو کرد و با احیای مجدد سلطہ آخوندی بر قوفہ قضا شیہ، قوا نین قرون وسطا شی را با ردیگری بہ درآوردن چشم بزدلین گوش دست و سنگسار کشیدن در ملعا م است. این قوانین قابل "نوسا زنی" نیستند. تلاش برای "نوسازی" آنہا، بہا ین بحث بین "علما" انجا میدکٹا با بیگان "تشرمانہ" است تا خیر و شونتہا با عت تمسخ و خشم مردم ترقی گردید.

مردم ایران قوفہ قضا شیہ را کہ با سرمایہ قضا شی و سلطہ آخوندہا قرا رگرفتہ با نفرت محکوم می کنند. خواست ہما نسا نہا ی آزادیخوا ہا ایران این است کہ قاتون قصا ن لغو و دادگا ہا ی شرع برچیدہ شؤند و بسا عت امنیت آخوندہا در سیستم حقوقی و قضا شی کشور با یان دادہ شؤد. این کار می توانند سیستم قضا شی را تا حدودی دموکراتیہ سازند، اما دگرگونی واقعی آن بہ سود مردم نیوانسی امکان پذیر است کہ مردم حکومت را خودشان بہ دست گیرند و قوا نینئین تدوین کنند کہ بہ نفع خودشان باشد و خودتئیزا را کشند و مداخلہ آن باشد. □

م رفیق فرامر ز صوفی... بقیہ از صفحہ اول نین قضا شی تپکارا ن حاکم، فرا مرز مرتکب سی مستوجب مرگ نندہ بود. با پیدا ری در زندان و امت در مقابل شکتہ چہرگان، بزرگترین جرم مرز بود ان بیتدہ درنگام مشتی آخوندگنا لت پیشہ، شکست خوردہ و واما نہ دکہم جرمی نیست. اگا ز ترس مردم جرت خروج از برج و با روی خود دارنند و ہر قدمی کہ برمی دارند، لشکری از ول و قرا ول با ہنژہا ی فذگلولہ ہما ہیشا ن کنند، طبیعی است کہ با پیدا ری و مقا و مسامت بزرگترین جرم شما رند، آنہا دکوشمن انسان و انیت اند، ا یستا دگی... این خلعت والای انسان... البتہ کہ تحمل ندارند. خفا شان ا ز نسبور سا ننند و فقہای در ما نندہا کم زیا پیدا ری و اوست.

آگا ہی در مدرسہ، بہ فعالیت تشکیلاتی خستگنا پذیر خود ادا مہداد، بشتکار، نصیمیت، دانش و بتکرار رفیق ا ز چشم ہمیر ما نین پوشیدہ ما نورقا مرز بسہ زودی بہ عضویت کمیٹہ شہار امل و شہید ہقنا نسی تشکیلات ما زندران درآمد. رفیق مسئولیت ہا ی جادی را با شایستگی بسیار برودش گرفت و خیلی زود بہیک ا ز بہترین کار ہا ی سازمان ایا لتنسی بدل شد. تفرورتنی انقلابی و انسان دوستی شی نظیر فلما رز، ا ورا بہ شخصیت موردا عمدا دیش ا موا ن و معلما ن امل تبدیل نمود و مرجعین حاکم، ہراسان از علم و آگا ہی و فعالیت افشا گرانہ معلما ن انقلابی و مبارز، رفیق فرا مرز را نیز ہما ن معلما ن ہرا ن معلما ز و وجہل ستیز دیگر ازا دا مہ تدریس محروم کردند.

روح بزرگش بود. بیام و بہ ہمہ ہمزمانش، سادہ و گویا بود: "از جانب من آسودہ خاطر باشید". دژیما ن ادگا ہ کہ ا ز شکتہ جہا ی حیوان نیسی و وحشیانہ نانا میدشدند، حکمش را بہ قم فرستادند. فرا مرز بروا زعفریت مرگ برفرساوش را تا دیدہ گرفت و ہما ننندا نوش و نوشا ہا، سنت اسراری بلانکلیف را شکست و درکتنا ہمزمان اسیرش در مبارزات دلاورا ن ہ زندانیان مسا، کت جت. بعد از ہما عصاب غذا، چشان رلا و درشتن او، ہجم تکیدہ ورنجور چہرا ا رار خود کم کردند و زپن شیشہ و دیوار ہا، با میردی و دلاوری را پیکام دادند. و بدینگونہ آخرین برگہا ی دفتر زندگی مردی دیگر ا زتبار با یک و حلاج و حیدر وارانہ، آ ز تبار روز بہ و بیژن و تا بان وانش و ازتبار افشارشیان و عاشقان زندگی رقم خورد.

فرا مرز را دژ بیست و نہم تیر ما، پسر اساز دوسال شکتہ و مقاومت، بہ ہما رجمعی دیگر ا ز یاران و ہمزمان اسیرش کشند. تا مہا ی سرشار از مہروا نسا نیت فرا مرز، بی گمان ا ی سترن و یا سمن، نوکلان زندگی مشترک او و ہمسردا غدارش، سمرق نوع دوستی و عشق بہ انسان خواہند بود و بسا ن ا گر ہرگز اوش پدرش را حس نکرد، ہما زاین تا مہا خواہند ست پدرش را کہ ا زسالار ادمرا ن بود، با زشنا نہد یادش گرامی بباد

علیہ اعدا م جنایتکارانہ و گروہی زندانیان سیاسی یا خیریم!

بعدا ز پوزہ ہا ی ا رجاعی رژیم در سال ۶۱ رفیق فرا مرز بہ زندگی مخفی روی آورد و در مسئولیت یکی ا ز گروہ ہا ی تشکیلات نهران، فصل توپنیسی از زندگی مبارزاتی خود را در موقعیت یک انقلابی حرفہ ی آغا ز کرد. چچا ر سال مبارزہ پیگیر در شرایط استبدا و ترور و چا کم بر میہن، فولاد وودش را آبدیدہ کرد و روزی کہ فرا مرز بہ جنگ دژیما ن افتاد، دیگر گوہر پیدا ختہا ی بود کہ با مردم بلندیدہ میہن یکی گشتہ بود، فرا مرز کہ درسا لہیا ی ساخت فعالیت مخفی در اعما ق جا مہ غوطہ خوردہ، ا یستا دگی وپا یرداری تودہ ہا ی بہ بند کشیدہ را درتا ر و پودر و چکا رگر و انسان شی خود با فتنہ بود، از ہما ن آغا ز اسارت آینہا ی شدتا تجلی گرماقت و مت مردم دبر ا بر دیوان آدمی خوا رگردد و بدینگونہ درختان ترین فصل زندگی کونہا، اما سرشارا ز انسانیت و افتخار و آوا زشد:

فرا مرز مقاومت کرد ان سان کہ در خور

رفیق فرا مرز ہمزمان با افتادن بگذر

به یاد رفیق رضی‌الدین تابان،
ستاره تابانک مفاومت در
سلسله آویسن.

آینه تابان

چون آینه در آب روان
چشمه جاننش

خندان
چندان

که بر چشمه زلال یک موج
فرا می شکفتد شورش جاننش

در اوج
چون آینه

بی وا همه گویای خود است
بی دا عیه چون آینه

گویای همه
*

در آینه چشمه جاننش

جوشید

صد رنگ فریبای فلق

صد خورشید

شورید

شکوفید

بشعراورد آن

که لها مگر دندبر اورنجیران

در آینه چشم چراغانی او

می بارد

اشک سنگین و طبع

می سوزد

برسر "آتش فروخته از سوسن و یاس"

کفتر پر خسته و دل باخته آزادی

در آینه خشم خروشنده او

می خیزد

خشم سنگین و طبع

می سوزد

از آتش آفر و خسته خلق به پا خاسته

بنیاد مستم

*

چون آینه در آب روان

چشمه جاننش

خندان

چندان

که بر چشمه زلال یک موج

فرا می شکفتد شورش جاننش

در اوج

چون آینه

بی وا همه گویای خود است

بی دا عیه چون آینه

گویای همه

صمد: فرزند فروتن مردم

امروز اگر "صمد" زنده بود، قصه‌های دیگری می‌نوشت. قصه‌هایی که مضمونی برای "اولدوژو کلاغا"، "۴۴ ساعت در خواب و بیداری" و "ماهی سیاه کوچولو" داشت. آویسی شک چنین می‌کرد، چرا که قلب او همیشه با نبض روزگار می‌تپید. زیرا که او همواره در گره‌گاه اصلی نبرد خوب و بد سنگسار می‌بست و در این نقطه نیز نه تنها قلم می‌زد که قدم نیز بر می‌داشت، یا بهتر است بگوئیم: قلم در راستای قدم می‌زد.

صمد جزئی از یک جنبش بود. جنبشی که در سالهای دهه ۴۰ تبحر یافت. دهه ۴۰ دهه فرم بورژوازی شاه، دهه نیرو گرفتن ساواک، دهه فشار کشته‌برنای آزادی‌خواهی و گسترش روحیه انفعالی در لایه وسیعی از روشنفکران و رشد عنصر فساد در میان بسیاری از محافل آنان. کیفیتی که فروغ فرخزاد این گونه تصویرش کرد:

مرداب‌های الککل
با آن بخارهای گس مسموم
انبوهی تحرک روشنفکران را
به زرفنای تیره خویش کشیدند...

اما انبوه‌های روشنفکران، گرچه شغل فراوانی داشت، طبیعتاً نمی‌توانست همه‌نگونه کسرم تا ریخ است موج‌تند در خون اندیشه‌ها و میدرازیر سنگینی خود درگ‌ها بند آورد، چنین نیز نبود. بسیاری به دور از این فضا، گرچه سخت اما با عزم و مصامت به انباشتن توشه انقلابی مردم، آرزاه تحقیقی و تالیف و ترجمه و نوشتن، ادامه می‌دادند و مهم‌تر از آن، محافلی تازه از جوانان پرشور پا گرفته بود که بی‌وقفه و شایق برای برهم زدن نظم کهنه در تارکای پیوسته وجود بودند. این جوشی ضروری بود که زیر پوسته "جزیره آرامش" تبحر پیدای کرد و ریشه‌های خود را سفت تر در عمق زمین می‌نشاند و می‌رفت تا سرانجام در هیات جنبشی گسترده به پیشگامی سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران، پرچم خویش را به دست انقلابیون پرشور سراسر ایران بی‌سیار د. دهه ۴۰ دهه‌شدن نوزاد مبارک بود.

صمد جزئی از این جنبش بود. روشنفکری که در مرز امروز و فردا در جست‌وجوی امکان‌آینده‌ها بود تا همراهم موج نیرومندی که در اندیشه برهم زدن وضع موجود بود، راه‌ساختن دنیای نوین مردم همیشه را بیابد. صمد از پایه‌گذاران و راه‌برندگان یکی از سه محفل بزرگی است که به نام "گروه دوم" تشکیل دهندگان سازمان، معروف شدند.

او همراهِ رفقای شهید بهروز دهقان، علی‌رضا نابدل و برخی یاران دیگر تلاش بی‌گروپر شمر خرد سازمان دادند. آنان به مطلق تجربه گذشته و

حال پیدا ختنند و در تماس با دیگر محافل انقلابی، اندیشه خود پیرامون مبارزه مسلحانه را پرورداخت کردند و خطوط استراتژی و تاکتیک اولیه سازمان آینده‌را دریا فتند. همین طرح را "صمد" با استادی فراوان به‌زبان کودکان در آورد و در جلد "ماهی سیاه کوچولو" به‌دریای مردم، به‌سراسر ایران فرستاد.

روح و اندیشه نوجو و * ارتجاعی صمد در نوجوانی شکل گرفت و او را در موضع مقابل جهل و خرافات و زور و قهر داد. در زمان تحصیل در دانشسرای معلیمی، نشریه‌ای به نام "خنده" در می‌آورد که همین مضمون را با خود داشت. صمد که دشمن تحمیلی فرهنگی بود به ویژه آن رایگی از وسایل آدامنه استبدادی دانست، با ارزش‌های تحمیلی مغرب و بی‌تناسب با ساختار اجتماعی و فرهنگی ایران به مقابلها بستاد. او ما هیت این تحمیل را که به پراگماتیس "زندگی آمریکایی" و ایجاد روحیه "الکی خوشی در میان مردم ایران و به‌ویژه نوجوانان و جوانان بود، شناخت و برای مقابلها آن با داری از استمرار و توقیت فرهنگ مردمی میهنش را وظیفه‌ای بی‌بدیل می‌دانست. او در این راه همراهِ رفیق راهش، "بهروز دهقان" کنار آرزشمندی را در دیبا خوشی آغاز کردند. روزها و شب‌های بسیاری، بی‌خستگی و با اشتیاق، بسیاری صحبت کهنالان آذربایجان و نقالان و عاشق‌های آن سرزمین نشنند و آن‌چرا توانستند زینت تاریخ فرهنگ بوده‌ها برگزینند و به قدری را بی‌خویش نگاشتند و به‌جا سپردند. که به همان اندازه خدمت مهمی به فرهنگ ایران و آذربایجان است. به نظر صمد "فولکلور" نشان دهنده و منعکس‌کننده احوال و افکار و آرزوهای طبقات محروم و پائین اجتماع است.

اما صمد فرهنگ هر قوم و ملت را نه یک محفظه بسته، جدا از بیریار موم، بلکه ارگانیک و بی‌شماره که مدام در حال مبادله با جهان پیرامون است. تاثیر و تاثری فعال که گاه من‌شد و گاه گاه از بی‌شمار است. تلاش وی برای شناساندن دستاوردهای علمی و فرهنگی ملل دیگر، مبارزه‌آنان در راه این دستاوردها، معرفی چهره‌های ارتقا بخش دانش و معنویت بشری که در کارهای اندک او به چشم می‌خورد، گواه وسعت نظراوست.

صمد چهره‌ای عمیقاً مردمی است. ارتباطی بی‌گسست و سرشته‌ای با توده محروم و زحمتکش، به ویژه محروم‌ترین بخش آن یعنی روستاییان تپه دست، به‌فایده روح او را چنان اما لکنی بخشیده بود که "درده بیشتر از تهران... از زندگیش لذت می‌برد" (۱) او برای این مردم محروم‌تر از همه، بیش از همه حق قایل بود. او از آنها یاد می‌گرفت و

می‌دانست که با دیده‌آنها بیشتر از بقیه یاد دهد. او این مردم را دوست داشت. او از همین مردم بود صمد، معلیمی را برگزیده بود. او موختن بود کودکان و نوجوانان و وظیفه‌جوانی برای او بود که هرگاه مدرسه‌آنها، اشتیاق وی به این کلاس آتشین ترمی کرد. او اعتقاد داشت که "فکرها مبتنی بر واقعیت و بنا بر این گویای حقیقت را باید بردیمان مردم، که بچه‌ها قسمتی از آنهاند." صمد شکوفائی آغاز شده خود، قصه‌های ارزنده و کم‌نظیر برای این گروه سنی نوشت. قصه‌هایی که به‌ویژه از نظر مضمون در ادبیات ما بی‌سابقه بود. او در این قصه‌ها تفاهدهای طبقاتی را به‌بچه‌ها، نوجوانان نیز به بزرگترهای طبقات و اقشار مستکش‌جا معب نشان می‌داد و لزوم مبارزه طبقاتی را برایش اثبات می‌کرد. درست به همین دلیل است که صمد و آموگاری صمد، شمار بسیاری دانش‌آموزان انقلاب ایران شد؛ "صمد معلیم است / راه‌صمد راه است." وقتی صمد ارس رفت، هنوز مشهور نبود، اندکی پس از آن، از هنر نویسندگی ایرانی دیگر مشهور شد. نوشته‌هایش با شتاب عجیبی از شهر، به روستاها و به میان نژاده‌ها راه جست. زبان‌ها و مقصداً هم‌وقوانین روابط اساسی اجتماعی، به‌آنگاه که تشریحی از مردم‌بیدل‌کردن کار می‌مدها مقابل‌ها، این سادگی و سرعت به‌ویژه در آن‌شاید اختناق نمی‌توانست به‌تعام‌رساند. و این هم به‌یمن شکل مناسب‌سازگویی به‌نیا زجا معب، همین نیا زگسترده بود که تلاش وسیع و هماهنگ را خود به‌خود، در همه‌جا ایران سازمان دادند. صمد در حافظه بویای حیات فکری مردم ما جایگاه ثابتی دارد. صمد یک نفر نبود، یک موج بود، نتایج انقلابی بود که نساواک و نه‌کل رژیم شاه مجسمل توان مقابل‌ها آن را نیا فتند. ضرورت، راه‌خود با زگرده بود. جنس‌ال بعد، "شیک طبع"، شکنجک معروف ساواک، خشمگین و عاجز در برابر هیبت رزمنده‌ها، زمان، گفته بود: "تما بین آتش‌ها از صمد بلند شده، این خننه‌ها را آن... برپا کرده، ارس دهشت را نبسته بود، ما این‌جا مثل "بهروز" عملیات خردی می‌کردیم... (۳)

آواز صمد از مرزهای ایران گذشت. قصه "ماهی سیاه کوچولو" به‌عنوان بهترین کتاب کودکان، برنده جایزه بین‌المللی شد و شهرتی جهان یافت. اما ارزنده‌ترین یادگار صمد زندگی او ست قلب او برای مردم و آزادی و به‌روز آتفا می‌طیب زیر نویس‌ها:

۱- نشریه "آرش" (۱۸) - ویژه‌نامه صمد، ص ۵
۲- نامه نسیم‌خاکسار
۳- نشریه چنگلی‌بیل (۶۷) - ویژه‌نامه صمد - به‌رنگی، ص ۲۶

جنبش مقاومت فلسطین : يك پیروزی دیگر

طی ماه گذشته دولت اردن با یک رشتگی تصمیماتی بی سابقه سیاست جدیدی را در رابطه با مسأله فلسطین اتخاذ و اعلام نمود. دولت اردن ابتدا اعلام داشت که مجلس سنا آن کشور را که نیمی از اعضای آن به نمایندگی از جانب فلسطینیان ساکن در مناطقی اشغالی غرب اردن تعیین می شدند، منحل کرده است. سپس لغو تصمیم مربوط به سرمایه گذاری های ۱۲ میلییارد دلاری اردن در سرزمین های اشغالی اعلام گردید. تصمیمی که قبلا در واقع با هدف گسترش نفوذ اردن در این مناطق و ایجاد لائترنا تیوی برای سازمان آزادیبخش فلسطین در میان فلسطینیان منطقه اشغالی اتخاذ شده بود و مورد مخالفت سازمان های فلسطینی قرار داشت. و سرانجام ملک حسین طی خطبی اظهار داشت که حکومت او تصمیم گرفته است تا همه روابط حقوقی و اداری خود با سرزمین های اشغالی غرب اردن را قطع کند و از جایگزین دولت مستقل فلسطینی در این منطقه توسط "سافا" پشتیبانی می نماید. ملک حسین گفت: "قطع رابطه با غرب اردن بنا به تمایل "سافا" و تصمیم جلاس اخیر سنا آن کشورهای عضو مع عرب در الجزایر که در آن سازمان آزادیبخش فلسطین به عنوان تنها نماینده قانونی مردم فلسطین مورد تأیید و تائید قرار گرفت، اتخاذ شده است.

که از همان سال های اول انقلاب آنکولا گریبا نکیر مردم این کشور بود، فراموشی شود. در ثانی شرایط برای بهرادر آمدن قطعاً ماه ۴۳ شورای امنیت در موردنا میبیا مبنی بر استقلال این سرزمین که تاکنون بیسابقه است. تکیه گاه اصلی و پشت جبهه برای تجاوز علیه آنکولاموردا ستفاده قرار می گرفت، مهیا می شود. در نتیجه استقلال نا میبیا به رسمیت شناخته خواهد شد. برهبری سوا بودر جنبش استقلال نا میبیا از جانب مراجع بین المللی رسماً پذیرفته شده است.

حصول توافق های فوق پیروزی بزرگی برای مردم این منطقه قاره آفریقا و مآلاً سراسر قاره خواهد بود. زیرا با زگرداندن ملطبه این کشور منقشه و درگیری منطقه ای در خدمت تأمین صلح و امنیت سراسر آفریقا است. علاوه بر این راه گشودن و ترقی جامعه آنکولاکه این سال ها تحت تأثیر منفی جنگ داخلی در خدمت تأمین صلح و امنیت سراسر آفریقا قرار داشت، گشوده می شود و همه انرژی و توان انقلابی مردم این سرزمین صرفاً برای زسازی جامعه و تحقق آرمان های عدالت خواهانه انقلاب آنکولاکه هدش و استقلال سرزمین نا میبیا و مردم آن به یکی از پدیده های شوم یا تفرقه بیندازنده میباید. با این خواهد داد و مردم نا میبیا حاکم بر سر نوشت خودخواهندند.

که با استقبال توأم با احتیاط سازمان آزادیبخش فلسطین مواجه گردید. در پی این تصمیم، "سافا" اعلام داشت که سدر مذاکره با حکومت اردن جوان گوناگون ساله مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین طی اجلاس سالانه تشکیل دولت در سرزمین فلسطین را مورد بررسی قرار داد. و طرحی را در این باره تهیه کرده است که با سدر مورد بررسی و تصویب شورای ملی فلسطین قرار گیرد. تصمیمی که در باره چگونگی واکنش و اقدام "سافا" در احراز مسئولیت خود در مورد سرزمین های اشغالی، به جلال نوزدهم شورای ملی فلسطین که قرار است در آینده نزدیک برگزار شود، واگذار شده است. گذشته از این که حکومت اردن تحت چه شرایطی و با توجه به کدام ملاحظات معین چنین تصمیمی را اتخاذ کرده است، این امر یک پیروزی بسزراک برای جنبش مقاومت فلسطین به شمار می آید. اعلام قطع ارتباط حقوقی و اداری اردن با سرزمین های اشغالی غرب اردن در هر چند مشکلات حقوقی و اداری فلسطینیان ساکن در این مناطق را افزایش خواهد داد و سازمان آزادیبخش فلسطین را با مشکلات جدیدی در این عرصه ها مواجه خواهد کرد. ولی زمینه های لازم برای ایجاد دولت مستقل فلسطینی برهبری "سافا" در سرزمین های اشغالی را بسین از هر زمان فراهم کرده است.

در اجلاس "حراره"

جندی بیش در حراره، با بیخت زمینبیا، هو، اجلاس کمیته دایمی همکاری های اقتصادی جنبش عدم تبعیذ در سطح ویران تشکیل گردید. این دیدار که نخستین اجلاس از این نوع بود، حاکی از توجه فزاینده کشورهای شرکت کننده به مسائل اقتصادی است.

تشدید روابط اقتصادی اکثریت قریب به اتفاق کشورهای به اصطلاح جهان سوم مسایل اقتصادی را در درجه اول اهمیت قرار داده است. بدهی خارجی این کشورها به یک تریلیون (هزار میلیارد) دلار افزایش یافته و به برای طاقت فرسا برای آنها تبدیل شده است. آهنگ رشد تولید ناخالص ملی این کشورها به ۱/۱ درصد رسیده است. رسیدن به این رقم با توجه به رشد بالای زاد و ولد منجر به کاهش سطح زندگی توده های مردم گردیده است. سهم کشورهای در حال رشد از مجموع درآمد جهان یک پنجم است در حالی که این کشورها به چهارم جمعیت جهان را تشکیل می دهند.

علل و خاستگاه اقتصادی کشورهای در حال رشد در اسناد دیدار حراره مورد بررسی قرار گرفت و بر خصلت غیر عادلانه مناسبات بازرگانی - اقتصادی میان کشورهای به اصطلاح "شمال و جنوب" به عنوان ریشه اصلی این وضعیت تأکید شد.

در اثرافت قیمت مواد خام طی سال های ۱۹۸۱-۱۹۸۰ "جهان سوم" معادل ۹۳ میلییارد دلار اذست داد. در چنین شرایطی کاملاً طبیعی است که این کشورها خود ستار مناسبات عادلانه و استقلال نظام نوین اقتصادی باشند. اما از آنجا که این خواست در آینده ای نسبتاً دور قابل حصول است، لذا کمیته دایمی همکاری های اقتصادی جنبش عدم تبعیذ یک رسته پیشنهادی عملی، منحلله موارد زیر را مطرح نموده است: لغو مانع گمرکی تصمیمات مربوط به حمایت از صنایع داخلی، ایجاد صندوق ویژه جهت تشبیت قیمت مواد خام، برگزای کفنازی و بین المللی برای حل مسأله بدهی ها، گسترش کمک های مالی به کشورهای فقیرتر...

کمیته به مرخلع سلاح به عنوان یک مهم ترین و عینی ترین اهرم های تسریع رشد اقتصادی توجه زیادی نشان داد و ضمن حمایت از تلاش های اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا برای کاهش تنشات بین المللی و کاهش زرادخانه های هسته ای، همه راه شرکت در این تلاش دعوت کرد. علیرغم ضعف های جنبش عدم تبعیذ، تنشوع ایدئولوژیک، سمت گیری های سیاسی و مدل های رشدی که برگزیده شده است، نمی توان گرایش به پیوستگی، اتخاذ تصمیمات مشترک در رابطه با مسائل پیوسته و اقدامات عملی فزاینده را نادیده گرفت. اجلاس حراره بدون تردید در بر خورد مشترک با مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی راه های رفع آن، نقش مهمی ایفا خواهد کرد.

افغانستان و ویرانگری ضد انقلاب

فدا انقلاب افغانستان طی ماه گذشته نبره همچنان به سیاست رعب مردم در بنطاق مختلف آن کشور ادامه داد. آنجا موک با ران شهرها، انجباریب و ترور انان های بیگنا را با تبلیغات دیوانه وار و روایات دروغ به تصمیم آمیخته اند تا در دل مردم افغانستان که چشم بر راه صلح و آرامش هستند، وحشت و یاس بکار بند. برتاب ۱۷ه موک در طول یک هفته به نقاط مختلف شیرکابل و کشتا قریب ۲۰۰ انسان در مدت کوتاهی کشته شد. خیابان های کابل، نمودار این تلاش ها است. سبل ورود اسلحه از خاک پاکستان به بنطاق زیر سلطه نیروهای ضد انقلاب و انواع کمک های پاکستان و آمریکا به این نیروها همچنان ادامه دارد. پاکستان عملاً کوچکترین حرکتی در راه احزای قرارداد اذنو انجام نداده است. کارشنک های پاکستان در اجرای اذن قرار اذنو و گنجی پشتیبانی آمریکا صورت می گیرد، جشم انداز و اوضاع را نگران کننده کرده است. و این در حالی است که افغانستان را اتحاد شوروی با بیبندی به قرار اذنو خود را جاری توافق نامه همه تلاش خود را به کار گرفته است. خروج قوای شوروی طبق تعهدات قرارداد ادامه دارد. تاکنون بیش از نیمی از این نیروها به اتحاد شوروی عودت داده شده اند.

فدا انقلاب همه نیروی خود را به کار انداخته است تا یکی دو شهر بزرگ را به تصرف در آوردن و مرکز "حکومت" آینده خود اعلام کند و طی دو ماه اخیر در برخی موارد موفق به تصرف برخی مناطق و شهرها برای مدت کوتاهی هم شده است. ولی دولت افغانستان تاکنون توانسته است این نیروها را در دستهای از شهرها، از جمله قندهار به عقبسب براند.

واقعیات نشان می دهد که فدا انقلاب مسلح قادر نیست آنچنان که مدعی است نقشه های خود را در پیش ببرد. جنگ روانی و تبلیغاتی که فدا انقلاب در داخل افغانستان و رسا نه های جمعیت امپریالیستی در خارج به راه انداخته است قدرت نظامی نیروهای مخالف دولت را بیش از آن چکه به نظر جلوس می دهد و استوار او خوسب توهم نیروهای ضد انقلاب و افزایش تگرانی مس مردم افغانستان شده است.

احزای اتحاد متوافق نامزد و پیشرفت کامسه گامی در روند عملیاتی همچنان در تنه راه حل مسائل مربوط به افغانستان است.

چشم انداز صلح در جنوب غربی آفریقا

در ماه گذشته در با بیخت های کشورهای آنکولا، کوبا، آفریقای جنوبی و آمریکا، اعلامیه مشترکی در باره حل و فصل مسائل جنوب غربی آفریقا انتشار یافت.

در پی چهار دور مذاکره که بین نمایندگان این کشورها صورت گرفت، طرفهای مذکور در باره یک سلسله اقدامات به منظور اعطای استقلال به نا میبیا بر اساس قطعنامه ۴۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد به توافق رسیدند.

بر اثر توافق فوق چشم انداز برقراری صلح در این منطقه گشوده شده است و راه حل منصفانه ای برای تأمین امنیت در آنکولا و استقلال نا میبیا به دست آمده است. زیرا اولاً دولت های آفریقای جنوبی و کوبا نیروهای خود را از خاک آنکولاکه رج خواهند ساخت و زمینه برای پایان یک جنگ طولانی داخلی

به برنامه های
رادیو زحمتکشان ایران
گوش فرا دهید

بازسازی کشور، نیاز بزرگ ملی

با استقرار رسمی آتش بس و پدیدار شدن چشانداز صلح میان رژیم‌های حاکم بر ایران و عراق، مسئله بازسازی ویرانی‌ها ناشی از جنگ به یکی از اساسی‌ترین مسائل میهن متدبیل می‌شود.

ایمان دویرانی کشور، عظیم‌ویا و رنگردنی است. چندین شهر، جدا جدا روستا، دهها هزار واحد تولیدی کوچک و بزرگ، با لایشگاه عظیم آبادان، بنسار در و تاسیات بندری و بسیاری از تاسیسات استخراج نفت و خطوط لوله ویران شده‌اند. در خوشبختانه تیرین آثارها، خسارت‌های ناشی از ویرانی کشور، بالاتر از ۱۵۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. و این همه تنها بخشی از ویرانی عظیمی است که جنگ طلبی مردم مرتجع و عظمت طلب همه با آورده است. بیست و اندومیلیون نفر آواره جنگی، بیش از ۵ میلیون بیکار، جدا جدا روستا و روستا جنگی و اقتصاد دورگشته بخش دیگری از این ویرانی‌ها است.

رژیم فتنه تا روزی که توانست به جنگ تپهکارها، شاه‌نهاد مهاد دوتنها زمانی به آتش بس تن درداد که در نتیجه فراموشی ما شین جنگی و مقاومت مردم و موعودهای از عوامل ملی و بین المللی، دیگر کارها مدام به جنگ نبود. با فشاری از جنون آمیز رژیم بر آدام جنگ با رادیگرایین عقیقت را با وضوح تمام اثبات نمود که برای سران عظمت طلب رژیم ولایت فقیه، منافع توده‌های مردم میهن ما پیش از این نداشتند. اما این همه چیز کشور را در راه تحقق اهداف بلند ارتجاعی خویش ویرانی و تداوم حیات تنگین خود قربانی می‌کنند. ما هیئت فخر مردمی رژیم فتنه‌ها با پذیرش آتش بس تغییر نکرده است و با زسازی کشور در شرایط سلطه چندین رژیم امری نیست که بدون مبارزه شدید قابل تصور باشد. اکنون مبارزه بر سر سمت گیری‌های اساسی بازسازی، عمرگونی تازهای از بیکاری و رژیم‌های جنایت آمیز است. نظامی گری، انحصار، زمین منافع سرمایه داران بزرگ و تجار و تاجر با زار، استبداد و اعمال فشارهای وحشیانه بر توده‌های زحمتکش، بسا دویست و بیست و با ارتجاعی تیرین محافظ امپریالیستی از جمله خصوصیات رژیم ولایت فقیه است که در جریان بازسازی نیز به شکل گوناگون و از جمله در تعیین اولویت‌ها و تخصیص اعتبارات و تا میهن منافع ملی و بین المللی، خود را نشان خواهد داد. فتنه‌ها که عدم تعجبی‌گانی سپاه و ارتش به تسلیحات مدرن را یکی از دلایل ناکامی خود در تداوم جنگ میدانند، بدون تردید تجهیزات نیروهای مسلح و ویژه سپاه به سلاح‌های جدید و گران قیمت را در آرسینا مه‌های خود قرار می‌دهند و در شرایطی که همه "تمهیدات" آنها برای "خودکفائی" در زمینه تسلیحات ناکام مانده است، به کمپانی‌های امپریالیستی سازنده جنگ افزارهای مسدود روی می‌آورند. این کمپانی‌ها از هم اکنون خود را برای دریافت سفارش‌های تازه و عقد قراردادها با کلان آدام کرده‌اند. روزگاری که مفران سوئی لوموند، ضمن تأکید بر این حقیقت ننگ آورگه فرانس در طول سال‌های جنگ پیش از ۴۰ درصد تولیدات نظامی خود را به عراق فروخته و تنها از قبیل این سوداگری جنون آمیز کم ۱۰۰ میلیون دلار درآمد داشته، با آوری سود که انحصار این نظامی فرانس به منظور مقابله با بحران احتمالی در صنایع نظامی، به نیا زهای تسلیحاتی ایران چشم دوخته‌اند.

احساسات مشابهی هم اکنون در میان همسوداگران مرگ مشاهده می‌شود. تشریفات وابسته به انحصارات نظامی ضمن بررسی حساب سود و زیان کمپانی‌ها در جنگ هشت ساله او ظاهر تا سقف برای انحصارات تولید کننده مهمات و خمپاره، به خاطر از دست دادن پرسودترین با زارسال‌های اخیر خود، به تولید کنندگان تا تک، هوا پیمای و سایر سلاح‌های سنگین و پیشرفته، رونق روزهای آتی داده را که عمدتاً محصول سفارشات ایران خواهد بود، وعده می‌دهند.

تخمین اعتبارات کلان برای تجهیز فرتی سپاه و ارتش، آدامه‌سیاست، جنگ، جنگ تا پیروزی در شرایط نوین است. و این در شرایطی که خطر فلاکت‌نا منگیر کشور شده است، جز تداوم و خیانته به منافعی ملی و میهنی چیز دیگری نیست. میهن ما به نظامی گری نیازی ندارد. اخذ ذیک سیاست مسلح جویانه و وسیع همگان تا مادی و معنوی کشور برای بازسازی ویرانی‌ها، بیگانه‌ها را مقابله به خطرات فلاکت‌نا منگیر این راه تبدیل مجدد خط تولید کارخانه‌های که در خدمت تولید جنگ افزار قرار گرفته‌اند، به خطوط اولیه تولید، با زسازی سریع صنایع منهدم شده و فرام کردن امکانات اشتغال و بازگشت میلیونها آواره جنگی به شهروندان رخسود، با پیدار شدن همه‌ها قرار گیرید. به آوارگانی که هشت سال در شرایط در بدردی در بیخوله‌ها، رنجی طاقت فرسا تحمل کرده‌اند، با پیداست عدت شودت.

سیاست ارجاب محکوم به شکست است

رژیم خمینی با بهره‌انداختن موج تازهای از ارجاب و ترور می‌گوشده چشم‌نرفت مردم لگام زندان و ظهور بدمدجنش اعتراض توده‌های جلوگیری کند. فرجام تنگیت با ریاست آدام جنگ، جهش‌گری ارتجاعی، خیانته کار مردم کش رژیم خمینی را بیش از پیش آشکارا ساخت. تخریب‌ها جدا جدا جنگ و فرجام بیک سیاست آدام جنگ خمینی، سرچشمه‌های تازهای از بسیرت و آتکاهی را به روی مردم گشوده است.

استفاده از حربه‌های فریب و ترس و بهره‌گیری با لوسانه‌ها معتقدات و احساسات مذهبی و میهن دوستانه مردم دیگر نمی‌تواند به سیاق گذشته برای رژیم نتایج موثری داشته باشد. ما خوشی عبرت آموزان جنگ در برده‌ها و فریب خمینی آتش انداخته، تا آنجا که زبانه‌های این آتش، چشم توده‌های میلیونی را برای دیدن حقایق و اذهان آنان را برای شناخت ما هیئت فریبکار و فرود مردمی رژیم ولایت فقیه روشن‌تری خاصی بخشیده است. رژیم خمینی در هر آس از آبنده و برای جلوگیری از تکمیل گیری و برآمدن جنش اعتراضی مردم، برای آتکده اوضاع کشور را در مقابل خود نگه‌دارد، به گسترش موج ارجاب و ترور توسل جستنه است.

در آخرین ماه‌های سال گذشته، زمانی که ناگزیری شکست فضاخت با رژیم خمینی در جنگ قطعی می‌یافت، موج جدید ارجاب و ترور، زندان‌های جمهوری اسلامی را فرا گرفت. هنوز سال به پایان نرسیده بود که آدام اعدام ۲۰ نفر از زندانیان سیاسی ما در شوش را از زندانیان جهت اجرای حکم اعدام به سلول‌های انفرادی انتقال یافتند. رژیم در پنجم خرداد ما رفیق انوشیروان لطفی را به جوخا اعدام سپرد و همزمان از اعدام دومبار زندیکاران زمان مهادین و اتحادیه کمیونیت‌ها خبر داد. در تیر ما رژیم خمینی رفیق فرامرز لطفی از کارهای برجسته ما زیمان، بر فضا سعید آرتک کار در برجسته توده‌های و کمیونیت‌های عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و نیز تنی چند از اعضای سازمان مهادین خلق ایران را به جوخا اعدام سپرد. با شکست فضاخت با رژیم خمینی در جنگ که با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد به جا آمد، رژیم خمینی با ترور از حمله‌های بلند زندان‌ها گذشت و خصلت اجتناب‌نا منی با شری پیدا کرد. رژیم خمینی با بهره‌گیری از زبان‌های دیگری‌های نظامی مهادین در مرزهای غربی کشور، کارزار گسترده‌ای را علیه مبارزان راه صلح و آزادی و پیروزی مردم در مقابله با سر کشور به راه انداخته و با بسیج کلیه امکانات امنیتی و قوای سرکوبگر خود جهت پیگردن را از زبان جنگ، از جبهه‌گریختگان، مشمولین فراری و همه کسانی که علیه استبداد او خنثاقت، تباهی و ویرانی و فلاکت جمعیتی رژیم خمینی زیمان به اعتراض گشوده‌ می‌گشاید، تمهیدات گسترده‌ای فراهم آورد. اکنون در آدام همین روند، آردبیلی، مسئول شورای عالی قضائی رژیم قصد حکومت برای اعدام بدون محاکمه و گروهی زندانیان سیاسی را اعلام کرده است. بر آنچه که بالاترین مقام رسمی قضائی رژیم خمینی بر زبان رانده است، جز دوجو از رسمی کشتار مبارزان و انقلابیون کشور، ما می‌گوییم نمی‌توان نهاد. بالا رفتن موج ارجاب و ترور

در زندان‌های جمعیوری اسلامی در این رابطه است. شما دفی نیست که رژیم ایران، قول حصاارو کوه‌دشت برای بنیان‌نگاه‌ها شین جنا یا تسان و جلوگیری از در آرخبار مربوط به زندانیان سیاسی از ۲۹ تیر ما بمدت ۲ ماه ملاقات زندانیان بسا خویشان و بستگان آنان را ممنوع کرده است. زندانیان سیاسی در اعتراض به بی‌قانونی، خودسری، ضرب و شتم و جنایات جلادان خمینی، دست به اعتصاب زده‌اند. بیست دیوارهای بلند زندان‌های رژیم خمینی، بهترین فرزندان خلق، تنه‌ها بیسن دلیل‌گه از صلح و آزادی و پیروزی انقلاب ارجاب کرده‌ می‌کنند، بسا سرودم لاجمی می‌شوند. آخرین خبرها حاکی از آن است که ۳۵ تن دیگر از رهبران و کارکنان رژیم خمینی در آدام اعدام به سلول‌های انفرادی بسرده شده‌اند. جان فدائیان، مهادین و دیگر مبارزان در بند در خطر جدی قرار دارند.

سیر رویدادها در سه ماه‌ها اخیر از بسا کمیته مرکزی سازمان ما را در آردبیلی‌نگه‌ها افرایش انوشیروان لطفی همراه با دومبار زندیکاران این اوضاع مشخصاً یک تصمیم سیاسی است که قبل از همه رژیم رژیم از آبنده نشات می‌گیرد، به عبوت رساند. رویدادها مهادین بر اامالت و مهادین و انقلابی فراخوان‌های کمیته مرکزی ما در دفاع متحد زندانیان سیاسی کشور، مهادین و مبارزان می‌گذارد. فراخوان‌های که رژیم خمینی با زار و آردبیلخواه کشور طلب می‌کند، "نگذاریم رژیم درخفا بهترین فرزندان خلق ما را نیست و تا نبود کند، بسا بشید دفاع از زندانیان سیاسی ایران با هر عرقه و فکری که هست، دست یکدیگر را بفرماییم." سیاست ارجاب و ترور رژیم محکوم به شکست است. اما اگر همه نیروهای مبارزان آردبیلخواه کشور متحد شوند، می‌توان روز شکست رژیم را نزدیک و نزدیکتر کرد. ما شایب بزرگ و پرشمارای زندگی مردم را به رنج و درد آتکده‌هاست. زندانیان سیاسی نیز در درد و رنجند. برای بیان دادن به این مسائل، دردها و رنج‌ها، برای اینک روزها دگامی هر چه زودتر فرارسد متحد شویم.

شهادت رفیق انوشیروان ابراهیمی

تا ما مردم، ارگان کمیته مرکزی حزب توده ایران طی اطلاعیه‌ای اعلام کرده است که رفیق انوشیروان ابراهیمی، دبیر کمیته مرکزی و عضو هیئت اجرایی وقت حزب توده ایران، به دست جلادان رژیم تپهکار خمینی به شهادت رسیده است.

رفیق انوشیروان ابراهیمی که از بسا تاسیس حزب، به عضویت آن در آمده‌بود، با زندگی بر بار مبارزاتی‌اش، شرکت در جنبش خلق آذربایجان، تلاش بی وقفه در مهادرت و فعالیت خستگی‌نا پذیر در اسل‌های پس از انقلاب بهمن، نقش آرزنده‌ای در حیات حزب و جنبش انقلابی میهن ما داشت.

رفیق ابراهیمی در آردبیل‌هشت سال ۶۲، هنگام بیورش سرای به حزب توده ایران دستگیر شد. در اطلاعیه هیئت سیاسی حزب توده ایران آمده است: " او در پی شش‌سال شکنجه‌های هراسناک جسمی و روحی با قلبی آساندل از عشق به خلق و حزبی سرانجام به عنوان یک توده‌ای معتقد و مومن با قامت استوار به استقبال شهادت رفت."

ما شهادت رفیق ابراهیمی را به‌خا نواده‌اش و همه رفقای توده‌ای تسلیت می‌گوییم.

با جمع آوری کمک‌های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید.

آدرس: PF-10 1091 WIEN AUSTRIA
حساب بانکی: AUSTRIA - WIEN BAWAG NR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD ARTNER

با تازهنده‌ها و سرپناه خود را از نو بسازند. ایجاد اشتغال برای این هم میهنان ستم‌دیده از طریق احیای صنایع آسیب دیده، ایجاد کارخانه‌های جدید و اتخاذ تدابیر مناسب دیگر، امری نیست که بتوان آن را به‌تازخیبرانداخت.

تخریب‌ها اقدامات نیا‌دهای وابسته به رژیم از جمله جدا سازی زندگی و بتنی‌دهای رنگارنگ آرخ‌ها دو مستضعفین و... نشان می‌دهد که رژیم گداقتن و جلا هلا ن ضدمعلمان بهره‌جویی از تخریب‌ها و بیگانه‌ها و برتری علمی را در آردبیل‌ها می‌کند. با رست تحسار ب موفق کشورهای همانند آلمان، ژاپن و اتحاد شوروی، به‌تازخیس گداختنه‌های تازه و نوان‌دان‌های جدید برای دزدان فاسدی که سر اسر دستگانه دولست را آتکده‌هاست، دست می‌زنند. با پیدار شدن کتون نسبت به اینگونه اقدامات رژیم، ما هشیارای برخورد نمودو

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!